

مجله فرهنگ و هنر مسیحی



آپریل ۲۰۱۹ - اردیبهشت ۱۳۹۸ - شماره سی و شش



3RD
Anniversary

SMYRNA

www.smyrna-magazine.com

APRIL 2019 / Smyrna - Number 36th



آپریل ۲۰۱۹

SMYRNA
PUBLISHED BY JUBAL BAND

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
امید سبویکی
سر دبیر
عیسی

صفحه پردازی: احسان سبویکی
طراحی صفحات: المیرا عزیزی، امید سبویکی
طراحی جلد: المیرا عزیزی، امید سبویکی
ویراستار: حسین سکاکی

روابط عمومی

www.smyrna-magazine.com

Email: Smyrnamagazine@gmail.com

Instagram: Smyrna_magazine_christian

Facebook: Smyrna.christian.magazine

Telegram: smyrna_magazine

Tell: (+1) 770 268 91 76

Copyright © 2019 by Jubal Band

همیاران اسمیرنا
ادموند، ادیسون، آرزو، ارمیا، استیو
الیه، بهزاد، بهنام، جواد، جیمز، یاشار، مصی
داوود، زهرا، مرجان، ندا، حمیدرضا، مرمر، فرزانه، کایه
مایا، فرشید، مریم، مسعود، تازیلا، میلاد

«یوبال باند» گروه فرهنگی و هنری مسیحیان ایرانی و فارسی‌زبان می‌باشد.

مقالات، مطالب، دلنوشته و شهادت‌های خود را برای درج در مجله اسمیرنا برای ما ارسال فرمایید. اختیار ویرایش و خلاصه کردن مقالات با هیات تحریریه مجله می‌باشد. ناشران مجله از درج مقالات و نکاتی که حاوی مطالب اهانت‌آمیز به کلیساها، ادیان دیگر و یا گروه‌های سیاسی باشد، معذورند. مقالات مندرج در این مجله الزاماً نظریه ناشران مجله یا موسسه‌ی یوبال باند نیست. کلیه حقوق مربوط به آثار نوشتاری و گرافیکی و دیگر محتویات این مجله به طور کامل متعلق به گروه یوبال باند می‌باشد، و هر گونه استفاده بدون مجوز کتبی از طرف مدیر مسئول، غیر قانونی و قابل پیگیری می‌باشد.

سرمقاله

آنکه گوش دارد بشنود...

۴

خبر

۶

از گوشه‌کنار جهان

مردآبی

۸

برود قدم‌ها را شکر دستانید...

رسم شاکرودی

۱۰

مصاحبه

۱۶

بزرسی فیلم

۱۴

معرفی کتاب فرهنگ و هنر

۱۸

فیلم ایرانی

۲۰

خوب

۲۲

مراز صبح مصرف قهوه ونسکافه

زندگی

۲۴

آشپزی

۲۶

پزشکی

۲۸

کلیسا

۳۴

سیل

۳۶

تکنولوژی

۳۸

کلیسا

۴۲

کلیسا

۴۴

اصفهان از قوروا

۴۶

اجتماعی

۴۸

سرگرمی و خلاقیت

آنکه گوش دارد بشنود...



در آغاز خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید...

خدا گفت: «روشنایی باشد» و روشنایی شد...

سه سال از روزی که خداوند «اسمیرنا» را نامید، گذشت و رهبری او هر روزه بر برگ به برگ و رج به رج و کلمه به کلمه طلبیده شد.

روزهای نخست به مجله‌ای محلی برای کلیسایی محلی نگریستیم و خداوند به مجله‌ای ماهیانه و قدرت، هدایت و پایداری در او ما را رهنمون شد و در همان ماه‌های نخست در پا گرفتن این نوزاد قدرت او را چشیدیم و نگاشتیم.

هر روز و ماه که گذشت بیشتر و بیشتر به نام نهاده شده، ایمان آوردیم؛ «اسمیرنا»، اسمیرنایی که آنکه مُرد و زنده شد از او آگاه است و در او ثروتمندیم. او که از هر سختی و رنج و هر ضعفمان با خبر است و ما را با خود همراه خواهد ساخت.

گوش‌هایمان را شنوا ساز تا صدایت بشنویم و در تو پایدار و با امید بایستیم. او این زمین بی‌شکل و خالی را پُر خواهد ساخت تا هر روزه شبیه‌تر به اراده او و صدای او باشیم.

باشد آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید و هر که غالب آید از مرگ دوم گزند نخواهد دید.

برگرفته شده از کتاب پیدایش و کتاب مکاشفه

کتاب اول و آخر

امید سبکی



از گوشه و کنار تهران

گرد آوری و ترجمه: تیم خبری اسمیرنا

کمونستی چین مسیحیان را خطری برای دولت می‌داند. «شی جین پینگ» شرایط را برای مسیحیان سخت‌تر کرده است. حکومت چین برای مسیحیان این کشور برنامه بلند مدت پنج ساله بودیسم و کنفوسیوس‌گرایی طراحی کرده تا هم کلیساهای خانگی را شناسایی و هم عقاید مسیحیان را عوض کند. دولت حتی دسترسی به کتاب مقدس آنلاین را نیز محدود کرده است.



تبلیغات اسلامی برای اعتکاف و نفی کردن کلیساها در ایران

بر طبق گزارشی که محبت نیوز منتشر کرد، به گفته نماینده ولایت فقیه و امام جمعه قزوین «شیخ عبدالکریم عابدینی»، اعتکاف باید با مسائل روزمره هماهنگی داشته باشد و گرنه مانند کلیسا نشینی می‌باشد!

فرا رسیدن نوروز همزمان است با ایام اعتکاف در ایران. یکی از آداب دین اسلام که فرد مسلمان مدتی را در مسجد خلوت می‌کند و خدای خود را عبادت می‌کند و تبلیغ این نوع آداب توسط نهادهای دینی مخصوصاً در بین جوانان بیشتر شده است؛ حتی رسانه‌ها خبرنگاران خودشان را به این مساجد اعزام می‌کنند و این مراسم را پوشش می‌دهند. تعدادی از جوانان کارهای خود را رها می‌کنند در مسجد گرد هم می‌آیند و بدون هیچ هدفی در آنجا اقامت می‌کنند.

«شیخ عبدالکریم عابدینی» در سخنرانی ۲۹ اسفند ۱۳۹۷ در مسجدالنبی گفت که اعتکاف باید به روز، و با کل اتفاقات دنیا گره خورده باشد؛ در اعتکاف غیر از نماز و حضور در مراسم مذهبی ما نیز می‌بایست با مسائل روز دنیا هماهنگ باشیم. وی گفت در زمان



شدت گرفتن جفا بر مسیحیان و کلیساها توسط حکومت چین و دستگیر شدن ۱۱ کودک در کلیسا

به گزارش محبت نیوز بیش از یک دهه است که جفا بر مسیحیان در سازمان دیده‌بان حقوق بشر در چین مطرح شده است. به گفته رهبر کلیسای انجیلی (گری بنور) جفا و شکنجه بر مسیحیان در زمان ریاست جمهوری (شی جین پینگ) شدت یافته است. چندی پیش حدود ۵۰ نفر از اعضای یک کلیسا که یازده نفر آنها کودک بودند در شهر چنگدو دستگیر شدند. اواخر دسامبر، پلیس امنیت یک کلیسا را تعطیل کرد و ۱۶۰ نفر از اعضای آن دستگیر شدند که متأسفانه این بار از ضرب و شتم جدی اعضای این کلیسا گزارش داده شده است. در صفحه فیسبوک این کلیسا اینطور نوشته شده که ساعت ۸ شب تعدادی از اعضا در روز شبات دستگیر شدند که ۱۱ نفر آنها کودک می‌باشند. کوچکترین آنها یک طفل دو ماهه است. برخی از این کودکان برای ساعت‌ها گرسنه و تشنه نگاه داشته شدند و این شرایط تا ۶ صبح ادامه داشت.

حدود ۶۰ میلیون مسیحی در چین زندگی می‌کنند که بسیاری از آنان در کلیساهای خانگی عضویت دارند. به گفته گری بنور رژیم

ابراهیم و اسماعیل و حتی حضرت مریم، آنها مدت زیادی را در اعتکاف می‌گذراندند و خدا را عبادت می‌کرده‌اند و اعتکاف قبل از دوران یهودیت و مسیحیت نیز وجود داشته و انجام می‌شده است. او اعتکاف را اینطور تعریف کرد: اعتکاف یعنی «ولایت» و گوش به فرمان ولایت فقیه (علی خامنه‌ای) بودن! نماینده ولی فقیه خطاب به حاضرین در مسجد گفت که «اگر با حضور در اعتکاف فقط بدنبال بیان ذکر و دعا و نماز باشیم بدون اینکه به کلام ولایت گوش کنیم فایده‌ای ندارد؛ یک معتکف حقیقی لازم است گوش به فرمان و کلام رهبر خود باشد.» درست نقطه مخالف خواست و کلام خدا که می‌خواهد فرزندانش تنها به صدای او گوش دهند چرا که تنها اوست نیکوی حقیقی.

تمام تریبون‌ها و منبرهای ایران منجمله امام جمعه قزوین از یک آبخوری فکری تغذیه می‌شوند، و آن هویت جمهوری اسلامی و اسلام حکومتی است و این را تبلیغ می‌کنند که «یا ما و یا هیچ کس!»

بیایید دعا کنیم برای رهبران ایران بلکه قلب و روحشان لمس شود و به خواست و اراده نیکوی خدای زنده و حقیقی پی ببرند و در نام عیسی مسیح به راه اشتباه خود معترف شوند و بازگشته نیکویی خداوند زنده را سرلوحه هدف و کار خود قرار دهند؛ آمین.

زمان تبدیل موزه ایاصوفیه (کلیسا سنت صوفیه) به مسجد فرا رسیده است!!!

رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه در آستانه انتخابات شهرداری‌های ترکیه گفت که تبدیل این مکان به موزه «یک اشتباه بزرگ» بوده است.

به گزارش یورونیوز، اردوغان در جریان یک مصاحبه تلویزیونی گفت که عنوان موزه از اسم این بنای تاریخی حذف خواهد شد و ما ایاصوفیه را یک مسجد خواهیم نامید. او افزود که تقاضا برای تبدیل این بنای تاریخی به یک مسجد از سوی مردم وجود دارد و او بعد از برگزاری انتخابات محلی این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد. این بنا که در ورودی تنگه بسفر واقع شده یک کلیسای باستانی بوده که در قرن ششم ساخته شده است و در قرن پانزدهم در دوران

امپراطوری عثمانی به مسجد تبدیل شد.

این بنا در دوران رژیم لائیک مصطفی کمال آتاتورک در دهه ۱۹۳۰ به موزه بدل شد. این بنای تاریخی به دلیل فعالیت‌هایی چون برگزاری جلسات قرآن و برگزاری نماز جماعت، همواره میان مسیحیان و مسلمانان موضوع مناقشه بوده است.

به گزارش محبت نیوز چنین اقدامی از سوی ترکیه می‌تواند به احتمال زیاد خشم مسیحیان ارتدکس را شعله ورد کند و تنش بین ترکیه و یونان را افزایش دهد که بارها در مورد به چالش کشیدن وضعیت کنونی ایاصوفیه هشدار داده است. بنای ایاصوفیه که در بین مسیحیان با عنوان «سنت صوفیه» شناخته می‌شود یکی از بناهای نمادین گذشته ارتدوکس استانبول محسوب می‌شود.

این بنای تاریخی اکنون بعنوان میراث جهانی یونسکو شناخته می‌شود و هر سال میلیون‌ها نفر برای مدیتیشن، تفکر و یا بازدید از معماری این بنا به استانبول سفر می‌کنند. به نظر می‌رسد که اگر قصد اردوغان برای این تغییر جدی باشد در مرحله نخست با مخالفت یونسکو مواجه شود.

تبدیل و تخریب کلیساها در ترکیه همچنان ادامه دارد و هر روزه شاهد اتفاقات و خبرهایی از این قبل هستیم؛ به هر حال چیزی که برای ما مسیحیان پر واضح می‌باشد این است که کلیسا ساختمان نیست، بلکه کلیسا سنگ‌های زنده‌ای است که از ایمانداران تشکیل می‌شود و بنا و شالوده آن خداوند عیسی مسیح است. هر چقدر هم که بناهای ساختمانی و کلیساها تبدیل و تخریب شوند شالوده به قوت خود نیز باقی‌ست تا زمان ظهور شاه جلال...



«بروید قومها را شاگرد سازید...»

درودی بیکران بر همراهان رسم شاگردی؛ شادی خداوند و هدایت او در ماموریتی که به شما سپرده شده است جاری باد.

شکر برای صلیب و کار عظیم خداوند برای تک به تک انسانها و شکر برای قیام او از مردگان و مهیا ساختن این راه و ارتباط دوباره.

او بر مسیر جُلجتا محبت بی‌مانند خود را بر ما آشکار ساخت و گناهان ما را روی صلیب بر خود گرفت و قیام او فرصت در آغوش کشیدن دوباره پدر را برای انسانها فراهم ساخت. او قیام کرد و اولین ماموریت خود را بر مریم مجدلیه و شاگردان نهاد تا این مژده و خبر خوش را به همه نقاط جهان برسانند.

ماموریتی که در آخرین باب از انجیل متی به من و شما سپرده شد «بروید قومها را شاگرد سازید...»

کلمه ماموریت به معنای «بیرون رفتن» و رساندن پیام خوش انجیل و فرصتی که در فیض می‌یابیم به جهانیان است. کاری که شاگردان از همان ابتدا پس از دریافت روح‌القدس و آن مدافع انجام داده‌اند تا به امروز که این ماموریت به من و شما، یعنی شاگردان امروزه مسیح سپرده شد و ادامه دارد.

خدمت و انجام اراده او عمیقاً قلب خداوند را بر ما آشکار می‌کند چرا که خواست او این است که همه توبه کنند و در پادشاهی او وارد شوند.

نامه و رساله به کولسیان، قلب خدا بر این ماموریت را برای ما بازگو می‌کند. جامعه و کلیسایی که مسیح را شناخته‌اند و در مسیح عمل می‌کنند و اکنون برای شناخت عمیق‌تر مسیح و آشکار سازی زیبایی‌های او بوسیله شاگردان و خادمین، پولس به این کلیسا می‌نویسد.

رهبر و رسولی که اصلاً این کلیسا را ندیده بود، اعضا و افراد آن را نمی‌شناخت و به وسیله پافرس که در این کلیسا خدمت می‌کند از حال این مردم باخبر شده است و دست به تشویق آنها در ادامه این راه به قلم می‌برد.

پولس در زندان بود و از شنیدن کار عظیم خداوند در این کلیسا شاد گشته و از رشد آنان دلگرم می‌شود. لذت و خوشحالی پولس در این نامه بسیار ملموس است و دلگرمی او از بشارتها و انجام ماموریت مسیح بوسیله این افراد ما را نیز به وجد می‌آورد.

دنیا و جهان مبشرین را به تبلیغ مسیح می‌شناسند، در حالی که این بشارت است. تبلیغ می‌تواند برای چیزی باشد که نمی‌شناسیم و فقط برای دریافت مزدی آن را تبلیغ می‌کنیم در حالی که بشارت وظیفه نیست بلکه بر باوری تکیه دارد که از درون، ما را به اعلام این خبر خوش و دریافت این نجات برای همگان مشتعل می‌سازد. بشارت فقط یک عمل و کار انجام دادنی نیست بلکه زندگی یک ایماندار فریادی از کار مسیح در اوست و نوری که جهانیان مسیح را بشناسند و به طرف او روی برگردانند.

امروز می‌تواند نقطه شروعی برای هر یک از ما باشد تا بطلبیم نور خداوند بر زندگی ما جاری شود و چنان راه را بر ما تابان سازد بلکه بدون ترس و شک، برای او قدم برداریم و بطرف ماموریت عظیم او بدویم. شعله‌های اشتیاق و اعلام این نجات می‌تواند امروز بار دیگر بر ما جاری شود و زندگی ما را در برگیرد و نور مسیح بر ما، مهتابی درخشان از ما بسازد و ما را تبدیل گرداند تا جهان نور او را در ما ببینند، هر زانویی خم شود و هر زبانی اقرار کند که عیسی خداوند زنده و منجی ماست؛ آمین.

امید سیوکی

به مادر خود گفت: " پاتو، اینک پسر ت " سپس
به آن شاگرد گفت: " اینک مادرت " از آن ساعت،
آن شاگرد، او را به خانه خود برد .

یوحنا ۱۹: ۲۷

صلیب خانواده ارزیز

سلام به همه خوانندگان عزیز مجله اسمیرنا. خوش
آمدید به خانواده‌ای زیر صلیب.

شکرگزار خداوند هستیم که بار دیگر فرصتی فراهم شد
تا با زوجی عزیز که در خدمت خداوند کوشا هستند
گفتگویی داشته باشیم و کارهای بزرگ خداوند را در
زندگی و خدمت این عزیزان با شما به اشتراک بگذاریم.

سلام بر شما، لطفاً خودتان را برای خوانندگان مجله
معرفی کنید؟

سلام من یاشار هستم و همسر المیرا، خادمین خداوندان
عیسی مسیح؛ می‌خواهم قبل از شروع، اول دعا کنم برای تمامی
فارسی زبان‌ها.

خداوند شکرگزار تو هستم برای این لحظه که فیض تو شامل
شد تا امروز بتونم شهادت خودم رو به گوش فارسی‌زبان‌ها
برسونم، خداوند اتفاقاتی که در این روزها داره برای ایرانی‌ها
می‌افته، برای این سرزمین، سرزمینی که سالیانی ست خشکی
و لعنت در اون بیداد می‌کنه و حالا سیل شمال و جنوب رو
فرا گرفته و هر لحظه عرصه رو برای زندگی ایرانی‌ها تنگ‌تر
و تنگ‌تر می‌کنه؛ امروز می‌خواهم دعا کنم تا دست شیراز
این قوم و این سرزمین کوتاه باشه و هدایت و برکت تو دوباره
بر این سرزمین باشه تا یک بار دیگه ایران و ایرانی هویت
خودش رو پیدا کنه، هویتی که تو خداوند همانطور که به ما
برگردوندی، همانطور که امروز ما رو به نام خوندی و فرزندان
خودت نامیدی و امروز اینجا قرار گرفتیم و می‌خواهم تک به تک
فرزندان گمشده‌ها در ایران- فرقی نمی‌کنه افغانی و یا تاجیک،
هر جا خداوند- فارسی‌زبان‌ها همگی هویتشان رو در تو پیدا
کنند، در نام عیسی مسیح امروز و این گفتگو رو به حضورت
می‌اریم و در نام عیسی مسیح به دستان خودت می‌سپاریم، باشد

که هر کلامی از دهان ما گفته می‌شود از تو سرمنشاء بگیرد، در
نام عیسی مسیح؛ آمین.

آمین، ممنون برای این دعای زیبا، خداوند به شما برکت
بده. چطور شد که به عیسی مسیح ایمان آوردید. لطفاً
با گفتن شهادتون به ما و خوانندگان مجله برکت بدید.

یاشار: شهادتم رو اگر بخوام کوتاه بگم دوره‌ای بود در که ایران
زندگی می‌کردیم. فکر می‌کنم مثل خیلی‌ها در گناه‌های
خودم گم شده بودم و مفهوم گناه رو از من دزدیده بودند. فکر
می‌کردم خیلی دارم عالی زندگی می‌کنم و خیلی خوب هستم،
حتی بعضی وقت‌ها فکر می‌کردم عالی‌ه و همه چی داره خوب
پیش میره. گناه‌هایی که انجام می‌دادم رو فکر می‌کردم خیلی
از آنها حق من هست و شاید مفهوم گناه رو از دست داده بودم.
ولی سال‌هاست بشارت عیسی مسیح رو گرفتم از داخل ایران
تا به ترکیه تا زمانی که وارد کلیسا شدم اونجا با کلمه‌ای آشنا
شدم که حرف دل من و زد و گفت دیگر همشکل این عصر
مشو؛ همیشه در زندگی خیلی جنگیده بودم، خیلی وقت‌ها به
خاطر شکل ظاهری و به خاطر تنوع طلبی که داشتم همیشه
سعی می‌کردم خودم رو طور دیگری نسبت به جامعه نشون
بدم. همیشه مورد توجه همه قرار می‌گرفتم و همیشه هم مورد
قضاوت همه بودم ولی به همه می‌گفتم دوست ندارم همشکل
این عصر بشم. دوست ندارم شبیه کسی دیگری باشم. وقتی که
در کلام خدا با این واژه آشنا شدم (که دیگر همشکل این عصر
مشوید) متوجه شدم که خداوند برای هر کدام از ما تک‌به‌تک
هویتی رو در نظر داره و هر کدام ما رو به نام خونده و هنگامی
که با آیه دیگری آشنا شدم که خدا در کلام می‌گه من پشت
در قلب شما ایستاده‌ام و در رو می‌گویم؛ همیشه یکی از شعارهای
من این آیه بود حتی زمانی که مسیح رو نمی‌شناختم و کلامش
رو نخونده بودم. ولی انگار این دو تا جمله از کلام در قلب من
گذاشته شده بود و این رو متوجه شدم واقعاً کلام در قلب ما
گذاشته شده، ولی شیطان اومده یک پرده کشیده روی این‌ها
تا ما هویتمون رو گم کنیم و مثل پسر گمشده در لوقا ۱۵ بریم

و سالیانی رو در خودکامی‌ها، گناه‌ها و در جاهایی که نباید
باشیم سپری کنیم، اون ارثی رو که داریم از دست بدیم و دوباره
برگردیم پیش پدر و اینطور شد که سالیان سال از کودکی‌ام
شاید گم شده بودم، به خاطر منطقه جغرافیایی و اینکه اجباراً
مسلمان به دنیا اومدم این هویت از من دزدیده شد، ولی در نام
عیسی مسیح وقتی با کلیسا آشنا شدم و واردش شدم از همان
روز اول قلبم لمس شد و با تمام شفاهایی که گرفتم امروز خادم
عیسی مسیح هستم و در خدمت شما هستم.

خدا رو شکر. برامون بگید در آن زمان عیسی مسیح
برای شما کی بود و الان کی هست؟

شناخت خاصی از مسیح نداشتم و حتی وقتی که وارد کلیسا شدم
با واژه‌ای گه می‌گفتند پسر خداست همیشه یکم مشکل داشتم
و سعی می‌کردم در سرودها این قسمت رو نخونم ولی خداوند
زنده است و با هر کسی به نحوی صحبت می‌کنه. همانطور که
اثر انگشت‌های ما تک به تک فرق می‌کنه، برای هر فرزندش
صحتی داره و اراده‌ای داره که قراره اتفاق بیافته و می‌دونه

فرزنداش چه ضعف‌هایی و چه قوت‌هایی دارند
و هنر دست خودش هستیم. با من هم
می‌دونست باید چطوری صحبت بکنه.

همونطور که اومد جلو و قلب من
رو لمس کرد و من رو کشید و
به کلیسا آورد، و آورد و آورد
تا جایی که بالاخره فهمیدم
که عیسی مسیح خداونده،
نجات دهنده من هست و
با کارهایی که در زندگی
من کرد و شفاهایی که
داد فهمیدم که خدای
حقیقی و اون حقیقت
اصلی عیسی مسیح است.

بسیار عالی؛ خواهر المیرا عزیز برای شما چطور بود؟
شما هم شهادتون را با ما در میان بگذارید.

من هم به نوبه خودم سلام می‌کنم به خوانندگان عزیز مجله
اسمیرنا و برکت و شالوم خدا رو به تک تک شما اعلام می‌کنم.
خوشحالم که اینجا هستم و این فیض رو دارم که در این قسمت
مشارکت داشته باشم. باشه که خداوند ذهن من رو متمرکز کنه
روی هدف و اراده خودش برای گفتن.

وقتی که همسر من مسیح و انجیل و کلام خدا رو وارد زندگی‌مون
کرد من خیلی باهش مخالفت کردم و بهش گفتم اینطور که
پیش می‌ره راه من و تو جداست. با اینکه ما سالیانی بود با
هم بودیم؛ ۱۱ سال از زندگی‌مون می‌گذشت و هیچ چیز نتونسته
بود ما رو جدا کنه و در سختی‌ها و مریضی‌ها همیشه کنار
هم بودیم، ولی انگار این حالتی که درون من پیدا شده بود
یه چیزی می‌خواست بگه راه تو با همسرت الان جداست.
به مسیح ایمان آورده ایمان تو رو ازت می‌دزده و یک طوری
احساس می‌کردم به ایمان من حمله شده و خودم رو برتر از



یاشار می‌دونستم و فکر می‌کردم اون به اون خدا احتیاج داره و احتیاج داره مسیح رو بشناسه ولی یک روز به اسلام می‌رسه، چون می‌گفتم اسلام کامل هست. باوری که در ذهن من کاشته شده بود همه مسلمان‌ها این عقیده رو دارند که اسلام دین کاملی است. ولی همیشه برای من این سوال بود اگر دین اسلام کامله چرا یک عده مسیحی موندن! چرا نمی‌فهمند که اسلام دین کاملی، وقتی همسرم تشویق می‌کرد کلام رو بخونم مخالفت می‌کردم. به هر شکلی برام دعا می‌کرد، تشویق می‌کرد که به سمت مسیح بیام، من اصلاً توجه نمی‌کردم. مثل یک لیوان برعکسی بودم که هیچ چیزی رو در خودش نمی‌پذیرفت. ولی از آن جایی که خداوند ما آنقدر بزرگ است و قدرتمند و عظیم، و دوست داشت در ازدواجمون کنار هم بمونیم و با هم پیش بریم، دستش رو دراز کرد و من رو که لیوانی برعکس بودم رو تکون داد تا بتونم وارد اون دنیایی که واقعیت و حقیقت مسیح بود بشم. کلیسا می‌رفتم ولی همیشه انتها می‌ایستادم؛ در کلیسا بعضی از قسمت‌های سرودها رو تکرار نمی‌کردم ولی همانطور که شبان کلیسا موعظه می‌کرد کلمات مثل بذر در قلبم داشت کاشته می‌شد. شاید خوشم می‌اومد و می‌خواستم اون رو بیارم در اسلام و یا در اون باوری که خودم ساخته بودم. یک قسمتی از اسلام رو حذف کرده بودم و یک قسمتی اضافه کرده بودم و از هر چیزی که خوشم اومده بود یک چیزی آورده بودم و فکر می‌کردم اون واقعیته و بر این باور بودم، و آن چیزی رو که می‌شنوم من می‌تونم به مذهب خودم



اضافه کنم و در همین پیش برم. بلاخره روزی رسید که خداوند اسم من رو صدا زد، همانطور که در کلام گفته من شما رو به نام فرا خوندم، شما فرزندان من هستید، از هیچ چیز نترسید. اون روز یکشنبه بود که خداوند اسم من رو صدا زد و گفت: المیرا، المیرا، بلند شو؛ من خواب بودم و فکر کردم همسرم داره منو صدا می‌کنه و وقتی بیدار شدم گفتم این موقع صبح چرا باید من رو بیدار کنه. بلند شدم دیدم کاملاً خوابه. دوباره خوابیدم و مجدداً این صدا رو شنیدم که صدا می‌زنه: المیرا، المیرا، بلند شو و دوباره مضطرب بلند شدم. چی شده! چرا باید بلند شم! یکشنبه بود و دلیلی نمی‌دیدم بخوام بلند شم، خشمگین شدم که چیه، دارم خواب می‌بینم؟ چه مشکلی؟ یاشار چرا منو صدا می‌زنه؟ دفعه سوم که این صدا رو شنیدم المیرا دخترم بلند شو... وقتی کلمه دخترم رو شنیدم با این واژه اصلاً آشنا نبودم و این واژه رو فقط پدر زمینی من به کار می‌برد. من نگران شدم که حتماً برای پدرم اتفاقی افتاده چون از هم فرسنگ‌ها فاصله داشتیم. حتماً مریض هست یا اتفاقی افتاده که داره من رو صدا می‌کنه. در گذشته من خواب‌هایی می‌دیدم که به نگرانی‌های من اضافه می‌کرد. بذرهایی که هر لحظه شیطان در ذهن من می‌کاشت و من به آنها شاید خوراک می‌دادم و اون واقعه‌ها اتفاق می‌افتاد و این یک نقشه‌ای بود که شیطان کشیده بود و من رو به این باور رسونده بود. خیلی نگران شده بودم و با خانواده‌ام تماس گرفتم و به مامانم گفتم بابا حالش چطوره و چه کار می‌کنه؟ و دیدم همه چیز خوبه و آرومه. با خودم گفتم حتماً قرار اتفاقی بیافته و چقدر بد هست که آدم در ذهنش منتظر یک اتفاق بد باشه. گذشت و همون روز که وارد کلیسا شدم طبق معمول در انتها کلیسا نشستیم بودم. شبان کلیسا صدا زد که المیرا، المیرا، بلند شو و جلو بیا، امروز می‌خوام که سینی عشاء ربانی رو تو بگیری؛ من خیلی مضطرب شدم ولی این صدا، صدای آشنا صبح بود و همونجا من قلبم شروع به لرزیدن کرد و از همونجا شروع کردم تسلیم و تقدیم

کردن زندگیم و از توبه شروع شد و یواش یواش همانطور که پدر آسمانی در کنار ما مثل بچه‌ای که در حال رشد هست و حواسش به ماست در کنارم بود و من رو رشد داد و الان که اینجا هستم شفاهای زیادی رو از مسیح گرفتم و مسیح برای من یک منجی و نجات دهنده بوده؛ این رو با تمام وجودم چشیدم، چون اگر در اون حال خودم می‌موندم معلوم نبود که چه اتفاقی برای من می‌افتاد. شاید در قعر افسردگی پیش می‌رفتم و شاید خیلی اتفاق‌های دیگه می‌افتاد که حتی رو جسم من هم می‌تونست تاثیر بزاره، ولی مسیح دستش رو دراز کرد و من رو از اون مرداب بیرون کشید؛ اون برای من منجی هست و واقعاً عاشقش هستم، او خدا و خداوند من هست.

شکر برای خداوند عیسی مسیح با کارهای عظیمش. در حال حاضر مسیح در زندگی شما چه کار می‌کنه و چه نقشی داره؟

یاشار: بهتره اینطوری جواب بدم که مسیح در زندگی ما چه کار نمی‌کنه؛ می‌خوام برگردم به گذشته و از دوران کودکی شروع کنم. من آدمی بودم تنوع طلب و هیچ وقت در هیچ شرایطی وابسته نبودم، غیر از زندگی با همسرم و هر لحظه و هر ثانیه چیزهای جدید می‌خواستم؛ هر موقعیتی که داشتم عوض می‌کردم، بیشتر از یک‌سال در هیچ خونه‌ای نمی‌تونستم زندگی کنم و حتی در شکل‌ها و تیپ‌های ظاهری ثبات نداشتم. هیچ کدوم از شغل‌هایی رو که داشتم ادامه ندادم، چه در شرایط بد و خوب و همه رو در یک مقطع خیلی کوتاه رها کردم و دنبال چیز دیگری رفتم. همیشه مورد محاکمه و قضاوت دیگران قرار می‌گرفتم که چرا هیچوقت پایبند کارهایی که می‌کنی نیستی! ولی الان می‌خوام بگم مسیح امروز چه کار کرد. او هویت من رو به من داد، یعنی تمام چیزهایی که من از کودکی تا به الان رها کرده بودم و نصف نیمه گذاشته بودم؛ شاید امروز وقتی دارم به یاد میارم می‌بینم که مسیح اون موقع هم در کنار من بوده، اگر روح‌القدس در من ساکن نبوده و به مسیح ایمان نداشتم ولی در کنار من بوده، خدا حواسش به فرزندش بوده، در هر جایی

که من رو قرار داده الان که نگاه می‌کنم می‌بینم که چقدر با برنامه بوده و تمام آن چیزهایی که دارم و داشتم امروز به حضور مسیح آوردم. شاید در اکثر آنها ضعیف هستم و ضعف دارم ولی همشون در عیسی مسیح قوت گرفتند. اگر آشپز هستم، اگر از موسیقی چیزی می‌دونم و هر کاری که نصفه رها کرده بودم الان در عیسی مسیح به قوت تبدیل شده. باز هم من خودم ضعیف هستم و این فیض خداوند هست. هدیه‌ای که خداوند داده و هر آن چیز که می‌اریم و به پای صلیب او قرار می‌دیم و می‌خوایم باهاش خدا رو خدمت کنیم در عیسی مسیح قوت می‌گیره. وقتی قوت اون رو تو استعداد و داشته‌هامون می‌بینیم، وقتی می‌بینیم فراتر از اون چیزی که من بلد هستم رو انجام می‌دم می‌فهمم که مسیح اینجا داره کار می‌کنه و می‌تونم بگم که لحظه به لحظه کارهای مسیح رو در زندگی‌ام می‌بینم.

المیرا: همونطور که همسرم یاشار گفت خدا در زندگی ما خیلی کار کرده. مسیح مفصل نگاه‌دارنده ما هست. قبلاً هم بود، ما شاید نمی‌دونستیم و بلد نبودیم که واقعاً در همه چی دعوتش کنیم ولی الان خیلی خوشحالم که هیچ جا لازم نیست که در رو ببندم و به مسیح بگم اینجا اجازه نداری بیای. دوست دارم در همه مشارکت‌هام با همسرم کنارم باشه و مهم‌تر از همه اینه که الان زندگی ما دیگر یک زندگی ۲ نفره نیست؛ سر آن مسیح هست و به اون اعتماد می‌کنیم. مهم‌تر از همه اعتماد ما بر اوست. هدایت و رهبری ما دست عیسی مسیح، آمین بتونیم تو همه چیز تسلیمش باشیم و در همین مسیر پیش بریم.

جلال بر خدای زنده. ممنون که شهادت ایمانتون رو با ما به اشتراک گذاشتید. شما زوج عزیز همانطور که در خداوند یک هستید در خدمت هم یکی از یاران اسمیرنا می‌باشید؛ شکرگزاری می‌کنیم برای کارهای خداوند که توسط شما «یک تن» در اسمیرنا به انجام می‌رساند. در فرصت بعدی و شماره بعدی با شما زوج عزیز خواهیم بود برای ادامه گفتگو؛ تا آن زمان شما را به دستان پُر مهر پدر آسمانی می‌سپاریم.

در این شماره به آثاری از هنرمندان نام آشنای جهان خواهیم پرداخت و هدف از گردآوری این آثار در کنار هم، به یادآوری کار عظیم خداوند و محبت او در راه نجات ما خواهد بود. پس برای ورق زدن این یادآوری در ذهن‌هایمان و جاری

شدن محبت او از درون ما بر دنیای سقوط کرده با نقش و نگار همراه شوید.

مرد رنج‌دیده و درد آشنا، نامی بسیار زیبا بر اثری از گریترین تات که در سال ۱۴۶۰ نقش بست می‌باشد. این اثر برگرفته از کتاب اشعای نبی باب پنجاه و سوم است. در این باب اشعیا به پیشگویی‌هایی مسیحایی نوید داده است که صدها سال قبل از به وقوع پیوستن آنها نگاشته شده است. اشعیا عنوان می‌کند: خوار و مردود نزد آدمیان، مرد درد آشنا و رنج‌دیده. چون کسی که روی از او بگردانند خوار گشت و به حسابش نیاوردند...

در تمام سختی‌ها، رنج‌ها، مشکلات، ناعدالتی‌ها و فغان‌ها یادآوری آنکه مسیح درد آشنای ماست و برای من و شما رنج کشید و با دردهای ما غریب نیست می‌تواند این را در ما برانگیزد که برای به حضور این قدوس رفتن قدم برداریم و از پلی که مهیا شده است برای به آغوش کشیدنش جلو رویم. این اثر در موزه هنری هلند نگهداری می‌شود.



سوگواری برای مسیح: اثری دیگر از گریترین تات در سال ۱۴۸۴ شکل گرفت که در همان نگاه اول بنظر می‌آید که چرا این نقاش از شخصیت‌های متفاوت در این تصویر استفاده کرده است؛ شخصیت‌هایی که در کنار جسد مسیح حضور دارند. گریترین در این تصویر مرگ مسیح و رنج‌های او را به تصویر کشیده است و در آن به فراهم شدن این نجات برای همگان اشاره دارد.

در صحنه پشت در پای صلیب فردی در حال رنج کشیدن است و در مرکز، مرگ مسیح را می‌بینیم که ما را از عدالت و مرگ روحانی رهانید. او به نیابت ما قربانی شد تا ما امروز بتوانیم به حضور پدر و در آغوش آن قدوس زیست کنیم. ثروتمند و فقیر، مذهبی و غیر مذهبی، یهودی و غیر یهودی و زن و مرد در این تصویر حضور دارند که نشانگر فراهم آمدن این نجات برای همگان است.

این اثر در موزه وین نگهداری می‌شود.



شستن پاها؛ اثری بسیار زیبا و قابل تامل از تیت تورتو که در سال ۱۵۴۸ میلادی نقش بست. موضوع اصلی این اثر شستن پاهاست که در گوشه تصویر می‌بینیم. مسیح در حال این خدمت و گذاشتن این سرمشق خدمت برای شاگردان خود است. این راه اصلی و خدمت حقیقی هر شاگرد مسیح است و دنبال کردن این سرمشق نمادی از فروتنی و محبت الهی است.

و اما در این تابلوی بزرگ، شکوه و عظمت دنیا به تصویر کشیده شده است. شخصی که در سمت چپ در حال بستن کفش‌هایش است نمادی است از راه و روش خودمان که سعی داریم آن را

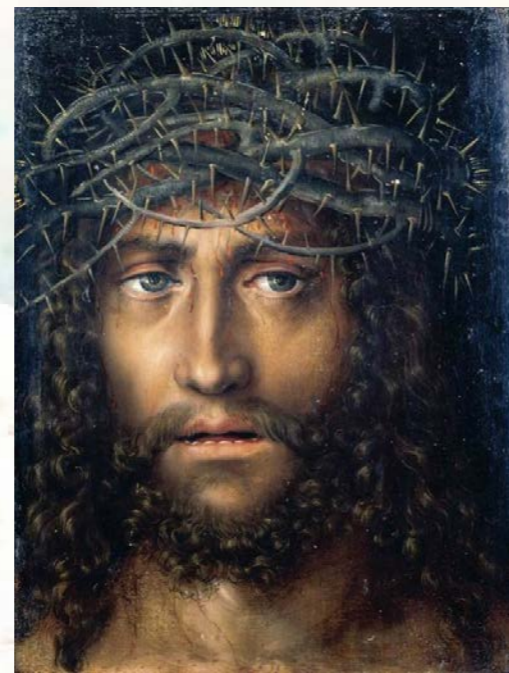
دنبال کنیم؛ در مقابل آن، شاگردی و راه و روش مسیح در سمت راست تصویر دیده می‌شود...

دنیایی که مردم در حال کار خود هستند؛ زورگیری که سعی دارد چیزی از کسی بگیرد؛ دزدی که از دیگری در حال ربودن است و یا فردی که گدایی می‌کند. در انتهای تابلو نمادی از کسانی که گدای محبت و روش از دنیا هستند. همه این تصاویر در مقابل الگوی مسیح نمایان‌گر این است که شاگردان الگوی مسیح را دنبال می‌کنند نه الگوی دنیا را.

این اثر در موزه دلپرادو در مادرید نگهداری می‌شود.



تاج خار: اثری از لوکاس کرانچ است که در سال ۱۵۱۰ به تصویر کشیده شد. این نقاشی بر اساس انجیل مرقس باب ۱۵ آیه ۱۷ می‌باشد؛ زمانی که تاج خار بر سر عیسی نهادند و به تمسخر او را «پادشاه یهود» خواندند. خارها در این اثر با تمام تصویر و خود عیسی هم راستا و عجین شده است و گویای درد و رنج مسیح و سرشته شدن این درد و رنج با خدای ماست تا بهتر بدانیم او برای ما رنج کشید، درد آشناست و ما را بهتر از هر شخصی درک خواهد کرد و می‌شناسد. این اثر در گالری شخصی وجود دارد و سالی دو مرتبه در معرض دید عموم نیز قرار می‌گیرد.



امید سبوکی

AQUAMAN

مردآبی

شناسنامه فیلم:

«مرد آبی» (Aquaman) محصول سال ۲۰۱۸ می‌باشد که توانست توجه بسیاری از تماشاچیان فیلم را به خود جلب کند و از موفقیت بسیار خوبی در گیشه‌ها و فروش برخوردار شود. آکوامن یکی دیگر از ابر قهرمانانی است که از سال ۱۹۴۱ وارد کتاب‌ها و داستان‌های مختلف شد و اینبار توسط «جیمز وان» کارگردان و تهیه کننده استرالیایی به تصویر درآمد. او که همواره علاقمند ژانر وحشت و هیجان و تهیه کنندگی این نوع آثار بوده اینبار با تجربیات تصویری خود، کارگردانی آکوامن را بر عهده گرفت و در کنار تیم بسیار خوبی از جلوه‌های ویژه توانست سبک جدید و نسل تازه‌ای از این هنر سینمایی را پایه‌گذاری کند.



خلاصه فیلم:

آرتور کوری فرمانروای به حق دریاهاست که با پدر خود در خشکی زندگی کرده است. او هیچگونه وفاداری به دریا و یا خشکی در خود ندارد و زندگی یکنواخت و پوچ خود را سپری می‌کند تا اینکه در می‌یابد برادر ناتنی او قصد دارد ساکنین خشکی را نابود کند و در پس این تصمیم توطئه و دسیسه‌ای در کار است. آرتور بالاخره قانع می‌شود که برای مانع شدن از شروع این جنگ وارد دریا و فرمانروایی آن شود و این شروع مشکلاتی است که قدم به قدم او را به حقیقت و شناخت هویتش باری می‌دهد.

بررسی فیلم:

آکوامن سرشار از یادآوری و پیام و اعلام در جهت پیدا کردن هویت و زندگی در آن است. شناخت هویت و پیدا کردن این هویت یکی از مهمترین اهداف هر شخص باید باشد؛ اما این فقط کافی نخواهد بود... آرتور سالیان است که هویت خود را می‌داند و ریشه و شکل‌گیری‌اش برای او شناخت و تا حدودی برای این هویت و در راستای این هویت خود تجهیز شده است. او فنون رزم و تنفس در آب و شنا کردن به روش هویتش را می‌شناسد و حتی گاهی از این هویت خود و از آنچه که هست برای کمک و نجات دیگران تا حدودی استفاده می‌کند.

تمامی اخبار از این قهرمان و رشادت‌های او سخن می‌گویند ولی آرتور بزودی در می‌یابد که در هویت خود زندگی نمی‌کند. او برای مأموریتی دیگر و برای هدفی بزرگ خلق شده است و باید در راستای هویت اصلی خود زندگی کند. انسان‌ها و حتی بسیاری از ایمانداران در شناخت هویت خود قدم برداشته و حتی آن را تا حدودی فهمیده‌اند؛ از آن هویت برای دعا کردن، محبت کردن و بشارت استفاده می‌کنند ولی شاید در راستای این هویت، از هدفی که برای آن خلق شده‌اند و مأموریت اصلی خود بدور هستند.

آرتور بزودی به زندگی در این هویت پی می‌برد اما هنوز موانع زیادی در این مسیر و هدف جلوی راه او قرار دارند. از طرفی باورهایش که خود را مستحق آن نمی‌داند و از طرفی توانایی‌هایی که او را به تمرکز و تکیه بر قدرت‌های درونی و استعدادهایش و طی کردن این مسیر فقط و فقط با استفاده

از آنها سوق می‌دهد. در حالی که حقیقت‌های بزرگ و هدایت‌های عظیمی وجود دارد که او از آنها بی‌خبر است. آمین که در ایمان مسیح و شناخت هویت‌مان در او، عمل کننده نیز باشیم و با شناخت صدای خداوند، رهبری و هدایت او در هدف اصلی و مأموریت‌مان قدم برداریم. تماشای این فیلم با این کلید واژه می‌تواند یادآوری زیبایی از عملکردهای خود ما باشد که آیا در هدف اصلی خداوند پیش می‌رویم یا مشغول روزمره‌گی‌ها شده‌ایم و مأموریت‌مان که همانا قدم برداشتن در راه صلیب است را از یاد برده‌ایم؟

امید سبوکی



تابو

شناسنامه فیلم:

«تابو» ساخته خسرو معصومی در مقام کارگردانی و به نویسندگی ایشان در سال ۱۳۹۴ بر روی پرده نقره سینما رفت و نقش آفرینی بسیاری همچون الناز شاکردوست و جمال اجلالی به شکل گیری این اثر کمک بسزایی را ایفا کرده است. معصومی که قبلاً فیلم‌هایی چون «آقای بخشدار»، «دلباخته»، «پر پرواز»، «خرس» و... را در کارنامه هنری خود ذخیره دارد اینبار با تلاشی دوباره برای بدست آوردن جایگاه قدیمی برخی از فیلم‌هایش دست به ساخت تابو می‌زند.

خلاصه فیلم:

بهار (الناز شاکردوست) در پی دست یافتن به زندگی عاشقانه و طبیعی‌اش از جشن ازدواج اجباری خود فرار کرده تا شاید زندگی خود را نجات بخشد. سالار، پیرمرد و ملاک بزرگ شهر در پی ازدواج چهارم خود با بهار در پی او دست به عمل خشونت آمیز و تهدید می‌زند تا شاید بهار را بیابد. با پیگیری بهار را در کشتی به گل نشسته‌ای می‌یابند که حال با پسر مورد علاقه خود ازدواج کرده است اما...

بررسی فیلم:

«تابو» نمادی از تلاش انسان‌ها برای دستیابی به آرامش و عشق است و ناکامی همه انسان‌ها در این مهم؛ و کشتی به گل نشسته، خراب و بی‌حرکتی که تمامی قصه و داستان به آنجا ختم می‌شود، ولی غافل از آنکه هیچ راه گریز و نجاتی در این کشتی بساحل نشسته نخواهد بود. در قدم اول پدری را می‌بینیم که در پی گریز و نجات از بدهی و بار اقتصادی تصمیم می‌گیرد دختر خود را به ازدواج با ملاک پیری مجبور کند. قدم بعدی مادری که سعی دارد راه چاره‌ای برای زندگی مقروض همسرش بیابد و هم از طرفی دختر با ازدواج با ملاک ثروتمند دیگر طعم تلخ بدهی و بار قرض را متحمل نشود؛ اما این نیز کشتی به گل نشسته است و راه نجات نخواهد بود، بلکه به مرگ و دیوانگی و بند و اسارت ختم خواهد شد. قدم بعد سالار، ملاک ثروتمندی که برای داشتن فرزند و

وارثی سعی می‌کند در پی ازدواج‌های مکرر به آن دست یابد، غافل از اینکه این نیز راه نجات نیست و کشتی بساحل نشسته است.

برادران سالار که در پی بدست آوردن آرامش و فرو نشاندن آتش خشم خود هستند و انتقام و دسیسه برای این آتش، نه تنها باعث فرو نشاندن خشم‌شان نخواهد شد بلکه کشتی به گل فرو رفته است.

دختری که برای فرار از فرهنگ، جبر و زور پدر و برای دست یابی به عشق واقعی دست به فرار و راه‌های خود می‌زند غافل از آنکه به کشتی شکسته و بی‌فرجامی ختم خواهد شد.

معلمی که در پی نجات دختر دلخواهش تن به ازدواجی می‌دهد که شاید راه نجاتی برای هر یک از آنها باشد در حالی که این نیز به گل نشسته و نجات واقعی نخواهد بود و...

کشتی نجات ما انسان شد تا بر روی صلیب بار دیگر ما را به آغوش آن پدر قدوس و وارد شدن به حضور او قادر سازد و با قیام بی‌مانندش از مردگان راهی تازه و حیاتی نو به ارمغان آورد تا هر که به او ایمان آورد فرزندان خدا شوند و با هدایت روح او که در ایمانداران عمل می‌کند در جاده او و راه او قدم برداریم و در زیر پادشاهی او و دستان محافظ او آرامی یابیم.

قیام بر شما مبارک

امید سبوکی

معرفی کتاب

نام کتاب: فوب یا فدا؟

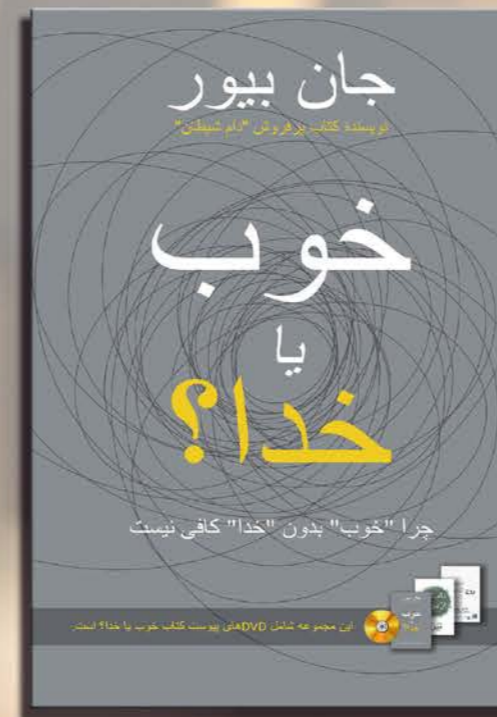
نویسنده:

جان بیور

کتاب خوب یا خدا کتابی ارزشمند در این عصر از حیات می‌باشد، جایی که انسانیت و نیکویی به جای خدا هدف قرار گرفته است؛ اما آیا خوبی یا نیکویی کافیسست؟ شاید در درون ما تعریفی از نیکویی باشد اما آیا این نیکویی به تنهایی برای ما کافی است؟ در این کتاب جان بیور با ما پیغام عظیمی که در زندگی خودش تاثیرگذار بوده را با مثال‌های زیبا از زندگی و رابطه شخصی خودش با خداوند و از کتاب مقدس با ما در میان می‌گذارد تا از درون، این پیغام را دریافت کنیم و با یکدیگر به اشتراک بگذاریم. این کتاب در هر فصل دارای تمریناتی می‌باشد که به صورت گروهی و مباحثه‌ای نیز می‌توان به مطالعه آن پرداخت.

نکات بسیار پیوسته و موثری در کتاب می‌باشد که نیاز است تا در نظم و یکپارچگی آن را مطالعه کنید. حال به اختصار آنچه که از این کتاب می‌توانم در این چند خط برایتان جمع بندی کنم را به اشتراک می‌گذارم، آمین که خداوند زمان خواندن کتاب را برای شما مهیا کند و مکاشفات عمیقی از این کتاب با ارزش دریافت کنید.

نقشه خدا برای ما از بنای عالم به شکلی کامل بی‌نقص و نیکوست. اما خوبی و نیکویی جعلی نیز وجود دارد که می‌تواند ما را از پذیرش بهترین الهی باز دارد؛ اینکه بر این باور باشیم که در راه درست هستیم اما در یک فریب پنهان شده باشیم. اما خبر خوش این است که خداوند نمی‌خواهد از آنچه اراده عالی او برای ماست دور بمانیم ما به طور غریزی و عقلانی فکر می‌کنیم که از فریب بالاتریم و می‌توانیم خوب را از بد تشخیص دهیم اما گاهی با علم و دانشی سطحی و سرسری از خدا به اراده نیکوی



او دل خوش کرده‌ایم اگر خوبی یا نیکویی تا این اندازه واضح و آشکار است، پس چرا رساله عبرانیان ۱۴:۵ به ما تعلیم می‌دهد که برای تشخیص و تمییز دادن آن، به داشتن بصیرت نیاز داریم. اما بهترین خدا برای ما چیست؟ برای تشخیص آنچه خدا نیک و بد می‌نامد نیاز به داشتن قلبی روشن و تعلیم یافته است.

حوا در باغ عدن چطور نیکویی را تشخیص داد؟ او در باغ در حضور خدا ساکن بود اما فریب خورد. آنچه به نظر او خوش خوراک، چشم نواز و مفید بود در حقیقت برای زندگی‌اش بد و زیان آور بود. او به خاطر آن فریب خورد و رنج کشید و اما ما چطور؟ چه چیزهایی از نظر ما خوب بوده است در حالی که از دید خدا خوب نبوده است و نتیجه این استانداردهای خوب ما چه بوده؟ آری حوا به ارتقاء زندگی خود و همسرش می‌اندیشید و افکاری رو به بهبود برای زندگی‌اش داشت، اما افکار خدا با افکار ما متفاوت است، خدا نیز نقشه بهتری را داشت اما حوا نقشه شیطان را دنبال کرد و با او وارد مشارکت شد. البته که شیطان نیز در ابتدا دیدگاه حوا را نسبت به شخصیت خدا تخریب کرد تا او از خدا دور شود و بتواند انتخاب نادرست را انجام دهد؛ چقدر تا به حال فریفته شده‌ایم؟ چقدر اراده و نقشه خدا را گم کرده‌ایم و به عقل و منطق و استانداردهای خودمان

چسبیده‌ایم؟ در این فصل جان به بررسی دقیق چراهای بسیاری و نحوه فریب خوردن حوا می‌پردازد.

در فصل دوم نویسنده به استاندارد جهانی خوب یا نیکوی و به معنای لغوی آن می‌پردازد و در مورد صحت و قطعیت کتاب مقدس صحبت می‌کند. او قطعیت کتاب مقدس را به جزء باز می‌کند، چون زمانی که ما به قطعیت چیزی ایمان داشته باشیم آن محور تصمیم‌گیری‌های ما می‌شود، وگرنه به استانداردهای خودمان برمی‌گردیم. آیا استانداردهای ما در خوبی بالاتر است یا کتاب مقدس؟ تشویقتان می‌کنم که در این خصوص تامل دقیق‌تری داشته باشید تا با قطعیت وارد قدم‌های بعد برای تشخیص خوبی بشوید. نویسنده در مورد نجات و راه آن شالوده‌ای که ما را به تشخیص خوب یا بد هدایت می‌کند صحبت می‌کند. او به نقل از سنت آگوستین می‌گوید: «اگر به آنچه در انجیل دوست دارید، باور دارید، و آنچه را دوست ندارید، رد می‌کنید، شما نه به انجیل، بلکه به خودتان باور دارید.»

جان عهد ما با خدا را نیز یادآور می‌شود و اینکه خدا به ما حق انتخاب داده تا آزاد باشیم. او بهای گناهان ما را پرداخت کرده و درهای زندان را گشوده است، حال انتخاب ما چیست؟ آیا خوبی و نیکویی از نظر ما ماندن در زندان و ادامه بردگی است؛ زیرا ترس‌هایمان ما را از آنچه که نمی‌دانیم و در پیش رویمان است باز می‌دارد و یا به نیکویی دعوت خداوند دل می‌سپاریم و قدم برمی‌داریم؟ حال استاندارد ما از نیکویی چقدر قطعی است؟ آیا ثمره نیکو دارد؟

در قدم بعدی نویسنده به اهمیت سپردن تمامی قلب‌مان به عیسی می‌پردازد. او ما را وامی‌دارد تا بررسی کنیم که آیا نجات را دریافت کرده‌ایم! و این میسر نمی‌شود مگر اینکه در مسیر تقدیس الهی قدم برداشته باشیم. اهمیت این که فیض را بیهوده نبینیم را متذکر می‌شود و این سوال که آیا در دوستی با خداوند هستیم یا دنیا؟ آیا نمی‌دانیم که خداوند تا به حد غیرت مشتاق ماست! خداوند نمی‌تواند با گناه وارد رابطه شود چگونه با مسیح در رابطه هستیم؟ چگونه پیغام انجیل را با غیر ایمانداران در

میان می‌گذاریم؟ افراد بسیاری هستند که مایلند از منفعت نجات برخوردار شوند، به شرط آنکه بتوانند همچنان زندگی خودشان را حفظ کنند. جالب است که اکثریت دریافته‌اند که برای پیروی از خدا ترک کردنی وجود دارد، اما مسأله اصلی این است که آنها آمادگی پرداخت بها را ندارند. آنها با خودشان و خدا صادق هستند.

خدا هرگز از کسی نمی‌خواهد برای پیروی از عیسی کامل باشد. اما او می‌خواهد که ما به طور کامل تسلیم او باشیم. نه فقط قسمت‌هایی که می‌توانیم و نیاز داریم بلکه به تمامی خود را به او بسپاریم؛ باید کامل زیر اطاعت باشیم نه اینکه خودمان محور سنجش باشیم، بلکه کلام خدا تنها محور سنجش ماست.

سر فصل «جی‌پی‌اس درونی شما» بسیار جالب و تاثیر برانگیز می‌باشد. نویسنده از ما می‌پرسد جی‌پی‌اس درونی‌مان را برای چه مقصدی تنظیم کرده‌ایم؟ خدمت، خوشنامی، پول ثروت، کار و... آیا تنها پاسخ به نیازهایمان کافی است؟ آیا خدمت‌مان و یا دعا‌هایمان هدفمند هستند؟

در کتاب خروج باب ۳۳ خداوند به موسی گفت فرشته‌ای پیش روی تو می‌فرستم و وارد سرزمین وعده شوید... شما به سرزمینی غنی و حاصل‌خیز می‌روید اما من خودم با شما نخواهم آمد، زیرا شما مردمی سرکش هستید و ممکن است شما را در راه نابود کنم. و اما موسی آن برکت را بدون حضور خدا نپذیرفت. آنگاه موسی به خداوند گفت: اگر روی تو با ما نیاید، ما را از اینجا مبر...

پس می‌توانیم دریابیم که درست‌ترین تنظیم برای جی‌پی‌اس درونی ما تقدیس بودن و به عبارتی در مسیر رابطه صمیمی با خدا بودن است.

در شماره بعدی نیز به ادامه‌ی هدف این کتاب و معرفی آن می‌پردازیم. آمین که این کلید واژه‌ها و سرفصل‌ها شما را برای خواندن و تأمل در تمامی کتاب برانگیزد.

حضور خدا پیوسته با شما

المیرا عزیز

طرز صحیح مصرف قهوه و نسکافه

درود به خوانندگان مجله اسمیرنا، در این شماره از مجله به نکاتی در مورد نوشیدن نسکافه و قهوه می‌پردازیم.

امروزه محصولاتی همچون قهوه و مشتقاتی که از قهوه به دست آمده مانند نسکافه، محبوبیت زیادی در بین افراد به خود اختصاص داده است. در واقع واژه نسکافه ترکیبی از واژه **cafe** و **nestle** می‌باشد. نستله یک شرکت بزرگ سوئیسی می‌باشد که در زمینه تولید مختلف از قهوه و برند مخصوص نسکافه، شکلات و نیز نوشیدنی‌های

خاص، فعالیت‌های بسیاری را انجام می‌دهد.

می‌توان گفت نسکافه و قهوه تقریباً خواص مشابه‌ای دارند. تفاوت ناچیزی هم مانند ویتامین‌ها، درصد کافئین و آنتی‌اکسیدان‌ها نیز بین این دو یافت می‌شود، اما در واقع تفاوت اصلی آن در میزان پتاسیم می‌باشد. میزان پتاسیم موجود در قهوه را می‌توان گفت که بیش از ۲ برابر نسکافه است.

قبل از هر فعالیت بدنی، تمرین و یا ورزشی که به انرژی نیاز دارد نوشیدن یک فنجان نسکافه به عملکرد بدن کمک خواهد کرد. سطح آدرنالین در خون با مصرف کافئین افزایش یافته و آدرنالین به هورمون‌های بدن کمک بسزایی می‌کند تا برای فعالیت بدنی آماده شود.

یکی از خواص نسکافه در کاهش وزن است، این ماده حاوی منیزیم و پتاسیم است که باعث تنظیم شدن قند خون شده و میل به شیرینی‌جات را کاهش می‌دهد و این عمل

باعث کاهش وزن می‌شود. رفع افسردگی و خستگی از دیگر مزایای مصرف قهوه و نسکافه می‌باشد، همچنین برای جلوگیری از خواب‌آلودگی هم نیز تاثیرگذار است.

تحقیقات بر این مبناست که نوشیدن یک یا دو فنجان قهوه کاپوچینو در طول روز برای افزایش طول عمر، از بین بردن سلول‌های سرطانی، جلوگیری از بیوست مفید می‌باشد. یکی دیگر از مزیت‌های نسکافه ایجاد تمرکز و هوشیاری در افراد می‌باشد. نسکافه به علت اینکه از کافئین بالایی برخوردار است، در تمرکز کردن و هوشیاری ذهنی کمک می‌کند و نیز این میزان کافئین در نسکافه خطر بیماری آلزایمر و خطر ابتلا به بیماری دیابت نوع ۲ را تا حدودی کاهش می‌دهد.

همچنین از نسکافه می‌توان برای ماسک صورت نیز استفاده کرد. می‌توانید یک قاشق ماست را با یک قاشق پودر نسکافه مخلوط کنید و به صورت و دور چشم خود بمالید و پس از ۵ دقیقه صورت خود را ابتدا با آب گرم و سپس با آب سرد بشویید. دکتر جولیا هانتر، متخصص پوست و مو در بورلی هیلز بر این معتقد است که وقتی پای خاصیت آنتی‌اکسیدانی قهوه و نسکافه بر روی پوست مطرح باشد، دو طرفه تاثیرگذار است. او می‌گوید: نوشیدن قهوه یک تکه از این پازل است و دیگری قرار دادن آن بر روی پوستتان است. مالیدن قهوه بر روی صورت به عنوان اسکراب به روشن شدن

پوست کمک کرده، از بسته

شدن منافذ جلوگیری و به صاف

شدن خطوط کمک می‌کند.

نسکافه با خامه را می‌توانید در وعده صبحانه خود

جای دهید و به عنوان دسر سرو کنید. طرز تهیه

آن به این شکل می‌باشد که شیر و نسکافه و

خامه را با هم به خوبی مخلوط کرده و سپس

مقداری آب جوش را به آن اضافه می‌کنیم

و در فنجان مورد نظر ریخته روی آن را با

شکلات نیز می‌توان تزئین کرد.

خوب است که بدانیم رعایت اعتدال

در مصرف قهوه و یا نسکافه ضرورت

دارد و مصرف بیش از حد آن باعث

بروز مشکلاتی نیز می‌شود.

مصرف بیش از حد نسکافه

و قهوه کلسترول خون را افزایش می‌دهد و در افرادی که

روزانه بیش از پنج فنجان قهوه یا نسکافه مصرف می‌کنند

احتمال سکته قلبی در آنها افزایش می‌یابد.

مصرف کافئین در برخی از افراد باعث بروز حساسیت

بالا می‌شود، طوری که مقدار مصرف اندکی از آن فرد را

درگیر هیجان کرده و ضربان قلبش افزایش می‌یابد و دچار

بی‌خوابی می‌شود. کافئین ترشح اسید معده را بالا برده و

میزان پپسین که نوعی آنزیم معده است را افزایش می‌دهد.

به زنان باردار و به مادرائی که فرزند شیرخوار دارند توصیه

می‌شود که از مصرف نسکافه و قهوه و یا موادی که دارای

کافئین می‌باشند اجتناب کنند.

برخی از تحقیقات بر این مبنایافته است که کافئین قهوه

در زنان باردار موجب رشد ناقص جنین شده و یا باعث

سقط یا حتی زایمان زودرس می‌گردد. مادرائی که فرزند

شیرخوار دارند با نوشیدن یک فنجان قهوه موجب بروز

بی‌خوابی و عصبی شدن نوزاد شیرخوار خود می‌شوند.

بهتر است به خاطر داشته باشیم که

در هر شرایط و در هر موقعیتی

بهتر است افراط و تفریط را

رعایت کنیم؛ در داستان

امن خداوند باشید...

گردآوری: الهه سوسن آبادی

پیزتیکا ژاپنی

طرز تهیه:

* ابتدا در یک ظرف بزرگ استیل شیر و پنیر خامه‌ای و کره را قرار داده و روی شعله ملایم گاز آرام آرام مخلوط می‌کنیم تا صاف و یکدست شده و تا قبل از رسیدن به نقطه جوش آن را از روی شعله برمی‌داریم.

* سپس آنرا به محل کار یا تخته کار منتقل کرده و به آرامی هم می‌زنیم.

* ۵۰ گرم آرد و ۱۵ گرم آرد ذرت را به مواد اضافه کرده و تا زمانی که مایع ما همچنان داغ است آنها را با همزن دستی، مخلوط کرده تا مجدداً صاف و یکدست شود.

* در همان لحظه زرده‌های تخم مرغ را یکی یکی به مخلوط اضافه می‌کنیم و به خورد مواد می‌دهیم.

* مخلوط را کنار گذاشته و در ظرفی دیگر سفیده تخم مرغ را با همزن برقی مخلوط می‌کنیم تا کف کند.

* شکر را در سه مرحله به سفیده تخم مرغ در حال مخلوط شدن اضافه می‌کنیم تا خامه‌ای سفید رنگ به دست آید.

* سپس خامه به دست آمده را در سه مرحله آرام به مخلوط پنیر اضافه می‌کنیم و به آرامی با همزن دستی مخلوط می‌کنیم تا به خورد هم بروند.

* یک ظرف کیک روحی ساده به قطر حدود ۱۸ سانتی‌متر آماده کرده، اطراف آن را کمی به کره آغشته کنید و کف آن را با کاغذ روغنی که دقیقاً به سایز کف بریده شده بپوشانید.

* حال مواد را به داخل ظرف کیک منتقل کنید و به آرامی چند ضربه به قابلمه بزنید تا یک

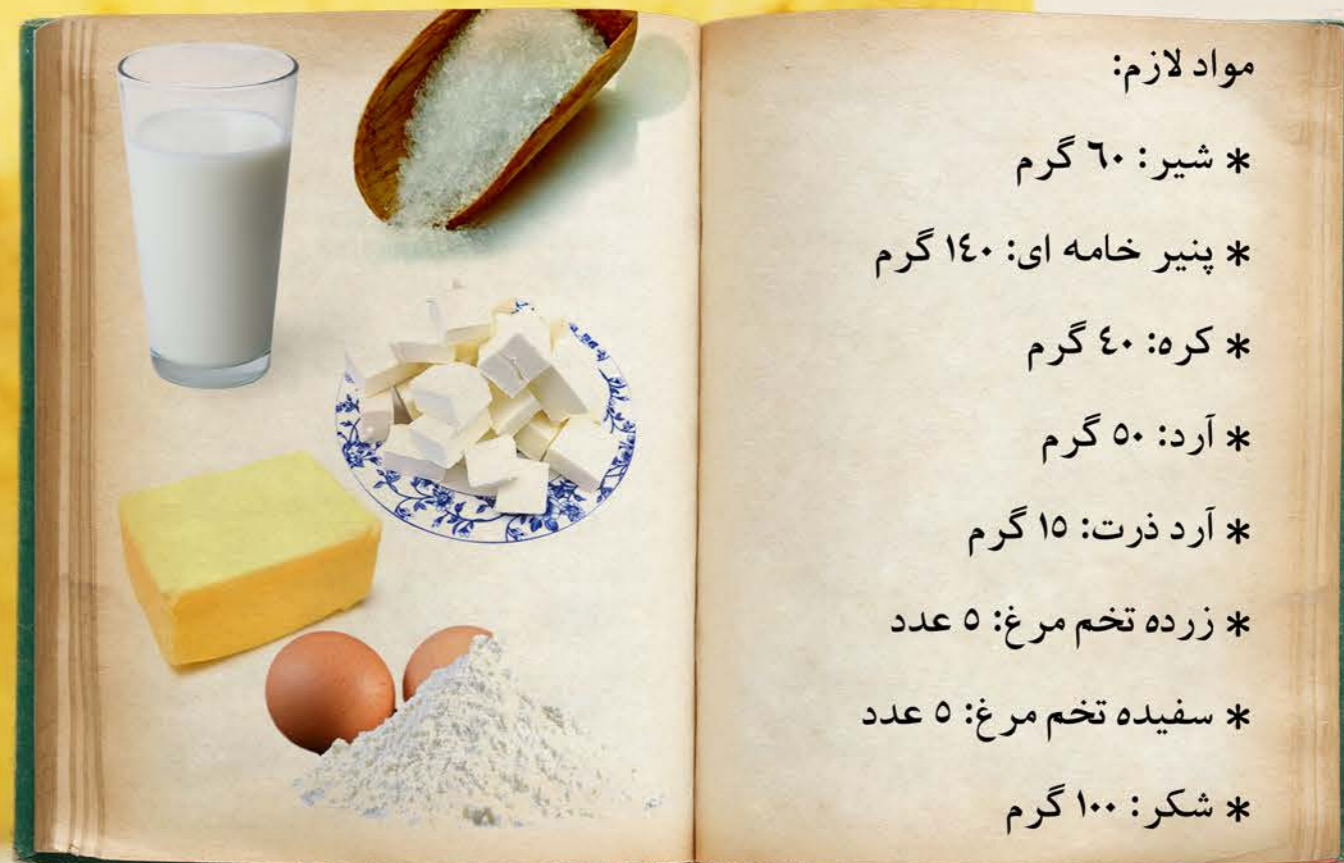
به دعا برمی‌افرازم تا امسال سال قیام تک به تک ما از قبرها و تابوت‌هایی که دنیا ما را در آن قرار داده باشد، بلکه بتوانیم آن هدیه و آن بهای گزافی که برایمان پرداخت شد را به فراخور دعوت و ارزش واقعی‌اش دریافت کرده و در زندگی‌هایمان به کار گیریم. آمین می‌گوییم و دعوتان می‌کنم برای پخت چیزکیکی ژاپنی.

صبح روز قیام است و مژده‌ای دارم، ستاره‌ها محو شده و جایشان را به خورشید داده‌اند؛ زنگ‌ها را به صدا درآورید و نجات را اعلام کنید؛ کلیسا شادمان است چون پیروزی از آن ما و خداوند ماست.

شادی و سلامتی خداوند عیسی ناصری، آن مسیح خداوند را در این صبح قیام به همه شما عزیزان خداوند و فرزندان نیکویش اعلام می‌کنم و دست

مواد لازم:

- * شیر: ۶۰ گرم
- * پنیر خامه‌ای: ۱۴۰ گرم
- * کره: ۴۰ گرم
- * آرد: ۵۰ گرم
- * آرد ذرت: ۱۵ گرم
- * زرده تخم مرغ: ۵ عدد
- * سفیده تخم مرغ: ۵ عدد
- * شکر: ۱۰۰ گرم



دست در ظرف قرار بگیرد.
* فر را به دمای ۱۲۰ درجه سانتیگراد برسانید؛ داخل فر یک سینی بزرگ کمی عمیق به اندازه‌ای که ۲ سانتی‌متر از آن را آب جوش فرا بگیرد قرار دهید.

* این نوع چیز کیک باید با بخار آب پخته شود تا حالت ابری خود را از دست ندهد. ظرف کیک را داخل سینی آب قرار داده و به مدت ۲۰ دقیقه در همان دمای ۱۲۰ درجه سانتیگراد رها می‌کنیم.

* بعد از ۲۰ دقیقه بدون اینکه درب فر را باز کنیم دمای آن را به ۱۵۰ درجه تغییر داده و ۱۵ دقیقه دیگر ادامه می‌دهیم.

* سپس دمای فر را به ۱۰۰ درجه سانتیگراد کاهش می‌دهیم و فقط به مدت ۱۰ ثانیه درب فر را باز و سپس ببندید و ۴۰ دقیقه در دمای ۱۰۰ درجه سانتیگراد دوباره به پخت ادامه می‌دهیم و بعد از ۴۰ دقیقه درب فر را باز کنید.

* روی کیک شما کاملاً به رنگ طلایی و پخته شده در آمده است؛ حال دوباره درب فر را بسته، فر را خاموش کنید و اجازه دهید در ۱۰ دقیقه کیک و فر به سمت خنکی بروند.

* بعد از ۱۰ دقیقه کیک را از فر خارج کرده، آرام چند ضربه به گوشه‌های ظرف کیک بزنید تا خود را از ظرف رها کند.

* بعد از کمی سرد شدن به آرامی کیک را برگردانده و مجدداً به ظرف سرو منتقل کنید.

حال می‌توانید از خوردن این چیزکیک خوشمزه لذت ببرید. نوش جان

سلام و درود به شما عزیزان و همراهان در صفحه سلامت در بدن

ای خداوند شکرگزار تو هستیم که درد و رنج و طعم تلخ مرگ را به روی صلیب چشیدی به سبب گناهان ما، و ای خداوند قیام کردی تا ما بتوانیم به واسطه این قیام از نو بنا و از نو متولد شویم.

عزیزان در شماره قبل همراه شدیم با داستان زندگی انسان، از لحظه‌ای که پا به دنیا گذاشت و دیدیم انسان چگونه پس از ورودش به دنیای مادی جدایی تلخ را تجربه کرد. جدایی از مبدا روحانی خود که درد تلخ این جدایی در طول عمر او را ملزم به تسکین می‌نمود و با هم دیدیم انسان از هر مُسکنی برای رنج حاصل از این خلاء استفاده نمود. اما چون این مُسکن‌ها دواى دردش نبود به مرور زمان خود سمی شد و عاقبت مهلك گشت، مرگ روحانی و حتی مرگ جسمانی. دوستان این داستان زندگی هر یک از ماست؛ شما هم شاید این تجربیات را به نوعی داشته‌اید.

در شماره قبل اشاره کردیم جایگزینی هر مُسکنی باعث ایجاد وابستگی خواهد شد و تنها یکی از آنها در بین عموم به نام اعتیاد شناخته شده؛ اما در عمل هر نوع وابستگی منجر به اعتیاد می‌شود و همچنین دانستیم اعتیاد به مخدرها به دلیل آثار ظاهری بر انسان از شانس بالایی برای درمان برخوردارند.

ما از تاثیرات جانکاهِ دیگر وابستگی‌ها نباید غافل باشیم، چرا که آنها نیز هر یک به نوعی حیات جسم و جانمان را به وَرطه‌ی نابودی می‌کشاند.

اما موضوع اصلی این شماره آشنایی با بیماری اعتیاد است که به سبب مصرف مخدرها و نتیجتاً وابستگی به آنها انسان را به بند اسارت می‌کشد. بحثِمان را با اطلاعاتی در ارتباط با مخدرها و انواع آن و نوع وابستگی و علائم حاصل از مصرف آنها شروع می‌کنیم.

تعریف مخدر (narcotic): نامی عمومی برای انواع مختلف از داروها و ترکیبات طبیعی و شیمیایی است که اغلب به دلیل احتمال ایجاد وابستگی به مصرف جز اعتیاد آورها طبقه بندی می‌شوند. مصرف آنها تغییراتی شیمیایی بر روی سیستم عصبی ایجاد می‌کند و باعث ایجاد لذت و تغییر هوشیاری و ایجاد بی‌حسی می‌شود. بنابراین پتانسیل ایجاد اعتیاد و سو مصرف در آنها وجود دارد ولی شدت آن بسته به اثر ماده متفاوت است.

اعتیاد: نوعی بیماری مغزی مزمن و پیشرونده و عود کننده است که باعث می‌شود با وجود پی‌آمدهای ناگوار حاصل از مصرف باز هم فرد برای بدست آوردن یا مصرف آن خود را به هر دری بزند. اعتیاد از آن جهت بیماری محسوب می‌شود که مصرف مواد منجر به ایجاد رفتارهای زبان‌بار شود.

آثار مصرف مخدرها: مهم‌ترین محل تاثیر این مواد بر مغز است. در مغز گیرنده‌هایی وجود دارد که مصرف این مواد منجر به اختلال کار آنها می‌شود. این مواد پس از مصرف وارد سیستم ارتباطی مغز می‌شود و فرآیند عادی ارسال

و دریافت و پردازش اطلاعات از سوی سلول‌های عصبی را مختل می‌کنند. ساختار شیمیایی برخی از آنها از جمله ماری جوانا و هروئین شبیه نورون‌های فرستنده طبیعی مغز است و در نتیجه نورون‌ها را تحریک می‌کند. این شباهت سبب می‌شود تا گیرنده مغز فریب خورده و اجازه دهد تا این مواد وارد سلول‌های عصبی شده و آنها را تحریک کنند. برخی از آنها همچون آمفتامین‌ها و کوکائین باعث می‌شوند تا سلول‌های عصبی به میزان زیادی نورون‌های فرستنده طبیعی ایجاد کنند. ایجاد چنین اختلالی موجب می‌شود تا پیام قوی در مغز ایجاد شود، همچون تفاوت شنیدن صدایی که در گوش شما نجوا می‌کند و صدایی که با فریاد در برابر میکروفن ایجاد می‌شود.

تصویری که در ذهن عامه‌ی مردم از فرد معتاد نقش بسته تصویر فردی با لباس‌های و سر و وضعی آشفته و کم‌ری خم شده با سطح زندگی پایین یا آواره در خیابان‌هاست. اما متأسفانه مخدرهای شیمیایی امروزه با توجه به تنوع‌شان آثار متفاوتی دارند. بعضاً به جای حالت خواب‌آلودگی فرد را بی‌خواب و بیش فعال مبتلا می‌کند. به جای حالت‌های رِخوت و سُستی در فرد ایجاد تشدید حالت‌هایی از قبیل اضطراب، تشدید استرس، ترس و وحشت می‌کند. عدم تمرکز، بیش‌فعالی، تغییر در تنفس به شکل تند و یا کندتر از حالت عادی، خشکی دهان، تغییر در اندازه مردمک چشم، کاهش علائق و انگیزه‌ها، کاهش احساس مسئولیت، کاهش توجه به شغل و تحصیل، پرخاشگری، کاهش میل به غذا، پُر حرفی و اعتماد به نفس کاذب علائم هشدار دهنده‌ای می‌تواند باشد که به اطرافیان کمک کند تا بتوانند تشخیص دهند فردی مبتلا به اعتیاد است یا نه.

مواد اعتیاد آور براساس تاثیرات مشهود و ظاهری سه دسته‌اند:

۱- **سُستی‌زا:** این مواد بر روی سلسله اعصاب و در نتیجه فعالیت‌های فکری و بدنی موثر است و آنها را کُند و سست می‌کند.

* سُستی‌زاهای طبیعی: استحصالات خشخاش، تریاک و مُرفین

* سُستی‌زاهای مصنوعی: هروئین، متادون، اقسام قرص‌های آرامش بخش

۲- **تُوهم‌زا:** مصرف این مواد فرد را دچار اوهام حسی و بینایی می‌کند.

* تُوهم‌زاهای طبیعی: استحصالات شاهدانه، حشیش، بنگ، ماری جوانا، گرس دانه‌های نیلوفر وحشی، برخی قارچ‌ها

* توهم‌زاهای مصنوعی: ال‌اس‌دی، دی متیل تریپتامین

۳- **توان‌افزا:** در فرد باعث ایجاد فعالیت‌های کاذب فکری و بدنی می‌شود و هیجان را تشدید می‌کند.

* توان‌افزاهای طبیعی: برگ کوا، کوکائین، کراک

* توان‌افزاهای مصنوعی: آمفتامین و مشتقات

همراهان عزیز، ما سعی بر این داریم اطلاعاتی مختصر و مفید به جهت شناخت مواد مخدر و آثار مخرب حاصل از آن را به شما ارائه دهیم تا شما به کمک این اطلاعات بتوانید با دید بازتری نسبت به رفتار افراد و عزیزانی که شاید در دام این اسارت قرار گرفته‌اند کمک کنید. پس با ما در شماره بعدی مجله اسمیرنا همراه باشید تا با هم به ادامه این مبحث بسیار مهم بپردازیم.

فیض و سلامتی خداوند با شما

مایا مقدم



کانون شادی قلب کلیسا

با سلام به شما عزیزان، پدران و مادران و فرزندان خداوند در ایمان به خدای محبت مسیح عیسی

پیرو هدف سالیانه که رشد در مسیح و آوردن ثمرات بود، هدف سه ماهه (آموختن دعا و رشد در دعا) را با شما عزیزان مطرح نمودیم. همچنان که مستحضرد در شماره ۳۴ مجله اسمیرنا به یکی از دلایل دعا کردن که همان شکرگزاری از خداوند به عنوان آفریدگار این جهان و کل نعمت‌هاست پرداختیم و بچه‌ها را متوجه ساختیم که نعمات بی‌شماری داریم که برای داشتن آن‌ها باید همواره شکرگزار باشیم.

اما یکی دیگر از مواردی که باید به فرزندان بیاموزیم دعا کردن در زمان مواجهه با سختی‌ها و مشکلات است که در هدف این هفته به آن می‌پردازیم.

- * هدف اصلی: رشد در مسیح و آوردن ثمرات
- * هدف سه ماهه: آموختن دعا و رشد در دعا
- * هدف هفته: دعا در زمان مواجهه با سختی و مشکلات

ابتدا با آیه این هفته شروع می‌کنیم؛ «اینها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. در دنیا برای شما زحمت خواهد بود؛ اما دل قوی دارید، زیرا من بر دنیا غالب آمده‌ام.» (یوحنا ۱۶: ۳۳)

با بچه‌ها شروع به ساختن بادبادک می‌کنیم و در روزی که با وزش باد همراه است به فضای باز می‌رویم، از بچه‌ها می‌خواهیم تا بادبادک‌ها را به پرواز در بیاورند. شاید عده‌ای از آن‌ها تجربه این کار را نداشته باشند. می‌توانیم به آنها بگوییم نخ بادبادک را گرفته و بر خلاف وزش باد بدونند. وقتی کودک چند متری خلاف جهت باد، بادبادک را به دنبال خود بکشد نیروی باد آن را در هوا به پرواز در می‌آورد. حالا با آهسته آهسته رها کردن نخ، بادبادک اوج می‌گیرد و در آسمان به پرواز در می‌آید. پس از گذر زمانی شاد و مفرح می‌توانیم به کانون برگشته و موضوع این هفته که دعا کردن در مواقع برخورد با مشکلات است برای آنان مطرح کنیم.

بادبادک سمبلی از مشکلات است، ما با دویدن و جاری بودن از مشکلات فاصله گرفته و سعی بر کنترل کردن آن در باد و بوسیله

نخ آن داریم. به آنها یادآور می‌شویم هنگام مواجهه با مشکلات بهتر این است از مشکل فاصله بگیریم؛ نه به این منظور که آن را به طور کامل رها کنیم ولی با رفتن به سمت آن و نزدیک شدن به آنها فقط ممکن است عمق مشکلات را بیشتر کنیم. بطور مثال زمانی که به بادبادک نزدیک و ثابت باشیم ممکن است نخ آن به دور دست و پاهایمان بیچد و یا گره بخورد، کار ما برای به پرواز در آوردن آن سخت می‌شود. پس با حرکت و کمک باد که سمبلی از روح خداست می‌توانیم به طرز معجزه آسایی به مشکلات غالب آییم. نگاهمان به مشکلات نباشد بلکه از آنها فاصله گرفته و با وقت گذاشتن برای یه ارتباط دو طرفه از خداوند در دعا راهنمایی و کمک و قوت بطلبیم. آن‌گاه دعا مانند باد و نسیم به یاری‌مان خواهد آمد و کمک خواهد کرد تا بادبادک از زمین بلند شده و به پرواز درآید.

عزیزان عیسی ما را با زندگی در این دنیا و مواجهه با سختی‌ها آشنا ساخته؛ کاری که متأسفانه برخی والدین از روی محبت پدران و مادران دنیا را برای کودک مانند سرزمین دیزنی‌لند قابل

مشاهده میکنند. در صورتیکه حقیقت آن است که مسیح برآستی برایمان بیان کرد. آری ما در دنیا با مشکلات روبرو خواهیم شد؛ اما قسمت زیبا و شیرین، در این است که او بر دنیا غالب آمده. بله، غیر حقیقی نشان دادن دنیا آرامش‌بخش نیست، اما ایمان به پیروزی مسیح است که آرامش حقیقی در مواجهه با سختی را به ارمغان خواهد آورد. اگر با ایمان به اینکه خداوند نه تنها مشکلات ما را می‌داند، بلکه قادر است در حل مشکلات به ما کمک کند دعا کنیم، بی‌شک مشکلات و سختی‌ها و موانع مانند بادبادک از ما فاصله خواهند گرفت. شما می‌توانید از آیه مذکور در این شماره به جهت تکمیل بحث استفاده کنید.

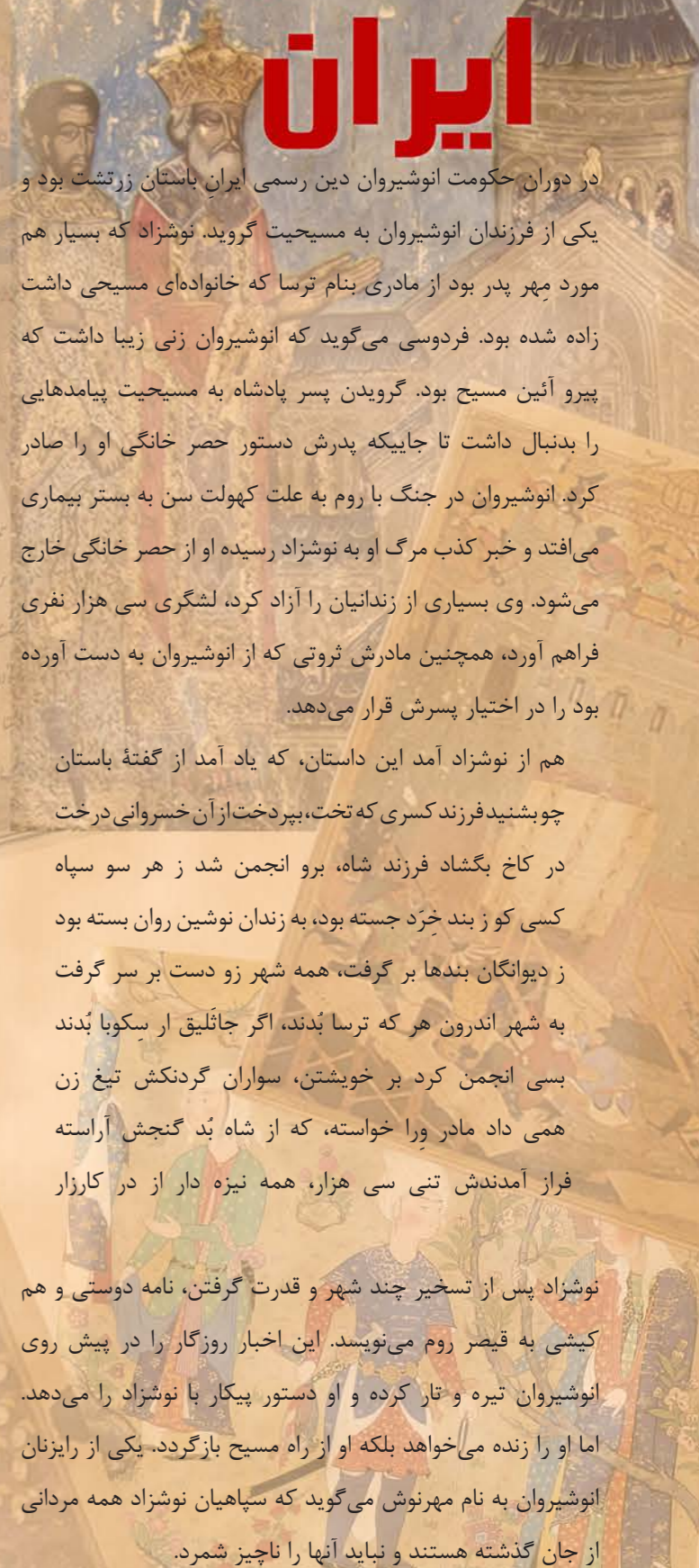
پدر شکرگزار تو هستیم برای فرصتی دیگر، شکرگزار تو هستیم که با هر قدم در راه مسیحایی شدن با فیض عظمت صدها برکت به ما ارزانی می‌داری. خداوندا شکر که به ما یادآور شدی بر دنیا و مشکلاتش پیروز شده‌ای و در هنگام مواجهه با مشکلات می‌توانیم با قوت تو به مقابله با آنها پردازیم، با شکرگزاری در نام مسیح عیسی این نسل آینده کلیسا را در دستان پر مهر تو قرار می‌دهیم؛ آمین.

صلح و سلامتی خداوند در نام مسیح با شما عزیزان

مرضیه کاظمی - مایا مقدم



مسیحیت در ایران



در دوران حکومت انوشیروان دین رسمی ایران باستان زرتشت بود و یکی از فرزندان انوشیروان به مسیحیت گروید. نوشزاد که بسیار هم مورد مهر پدر بود از مادری بنام ترسا که خانواده‌ای مسیحی داشت زاده شده بود. فردوسی می‌گوید که انوشیروان زنی زیبا داشت که پیرو آئین مسیح بود. گرویدن پسر پادشاه به مسیحیت پیامدهایی را بدنبال داشت تا جاییکه پدرش دستور حصر خانگی او را صادر کرد. انوشیروان در جنگ با روم به علت کهولت سن به بستر بیماری می‌افتد و خبر کذب مرگ او به نوشزاد رسیده او از حصر خانگی خارج می‌شود. وی بسیاری از زندانیان را آزاد کرد، لشگری سی هزار نفری فراهم آورد، همچنین مادرش ثروتی که از انوشیروان به دست آورده بود را در اختیار پسرش قرار می‌دهد.

هم از نوشزاد آمد این داستان، که یاد آمد از گفته باستان چوبشنید فرزندان کسری که تخت، بپردخت از آن خسروانی درخت در کاخ بگشاد فرزند شاه، برو انجمن شد ز هر سو سپاه کسی کوز بند خرد جسته بود، به زندان نوشین روان بسته بود ز دیوانگان بندها بر گرفت، همه شهر زو دست بر سر گرفت به شهر اندرون هر که ترسا بُدند، اگر جائلیق ار سکوبا بُدند بسی انجمن کرد بر خویشان، سواران گردنکش تیغ زن همی داد مادر ورا خواسته، که از شاه بُد گنجش آراسته فراز آمدندش تنی سی هزار، همه نیزه دار از در کارزار

نوشزاد پس از تسخیر چند شهر و قدرت گرفتن، نامه دوستی و هم‌کیشی به قیصر روم می‌نویسد. این اخبار روزگار را در پیش روی انوشیروان تیره و تار کرده و او دستور پیکار با نوشزاد را می‌دهد. اما او را زنده می‌خواهد بلکه او از راه مسیح بازگردد. یکی از رایزنان انوشیروان به نام مهرنوش می‌گوید که سپاهیان نوشزاد همه مردانی از جان گذشته هستند و نباید آنها را ناچیز شمرد.

سپاهی که هستند با نوشزاد، کجا سر بیچند چندین ز داد تو آن را جز از باد و بازی مدان، گزاف جهان بین و بازی مدان هر آن کس که ترس است بالشگرش، همی از کیش پیچد سرش چنین است کیش مسیحا که دم، زنی تیز و گردد کسی زان دژم نه بر رای و راه مسیحا بُود، به فرجام خصمش چلیپا بُود و دیگر که‌آند از پراکنندگان، بدآموز و بدخواه و کاوندگان ازیشان یکی را به دل ترس نیست، دم باد بارای ایشان یکی ست

فرستادگانی با پیام پدر به نوشزاد می‌گویند تو را با سپاه انوشیروان یارای برابری نیست، چرا دین خود را واگذاشتی؟ مسیح فریبکار بود و اگر فرّ یزدانی با مسیح بود یهودیان هرگز نمی‌توانستند او را بکشند.

مکن رزم با لشگر شهریار، که گردی پشیمان ازین کارزار بگشتی ز دین کیومرثی، هم از راه هوشنگ و طهمورثی مسیح فریبنده خود کشته شد، چو از دین یزدان سرش گشته شد اگر فرّ یزدان بر او تافتی، جهودی بر او دست کی یافتی تو با شاه کسری بسنده نه ای، اگر شیر و ببر دمتمده نه ای پیاده شو از شاه زنهار خواه، به خاک افکن این گرز و رومی کلاه

نوشزاد به پیروز که فرستاده‌ی انوشیروان است پاسخ می‌دهد: من هرگز دین خسرو (کسری) را نمی‌پذیرم. سپس می‌افزاید مسیح اگر کشته شد برای این نبود که فرّ خدایی از وی دور شده بود بلکه او به سوی یزدان پاک بازگشت و اگر هم کشته شوم باکی نیست.

چنین داد پاسخ ورا نوشزاد، که ای پیر فرتوت سر پر ز باد ز لشگر چو من زینهار می‌خواه، سرافراز گردان و فرزند شاه مرا دین کسری نباید همی، دلم سوی مادر گراید همی که دین مسیحا شد آئین او، نگردم من از فرّ و دین او مسیحی‌دیندار اگر کشته شد، نه فرّ جهاندار از او گشته شد سوی پاک یزدان بشد باز پاک، بلندی گزید او ازین تیره خاک اگر من شوم کشته‌بس باک نیست، که زهریست کش هیچ‌تری باک نیست در جنگی که در می‌گیرد باران تیر بر سپاه نوشزاد می‌بارد و یکی از

تیرها قلب او را می‌شکافد. نوشزاد اسقف را فرا می‌خواند و می‌گوید به مادرم بگو که مرا به رسم و آئین مسیحایی به خاک بسپارند.

بیامد به قلب سپه شد چو گرد تن از تیر خسته، رخ از درد زرد چنین گفت پیش دلیران روم که جنگ پدر خوار و زار است و شوم بنالید و گریان سُقّف (اسقف) را بخواند سخن هر چه بودش به دل، در براند بدو گفت کاین روزگار دژم ز من بر من آورد چندین ستم کنون چون به خاک اندر آمد سرم سواری برافکن سوی مادرم بگویی که رفت از جهان نوشزاد برآمد بر او روز بیداد و داد تو از من مگر دل نداری به رنج که اینست رسم سرای سپنج مرا بهره این بود ازین تیره روز دلم چون بُدی شاد و گیتی فروز دل من ز کشتن پر از درد نیست پدر بتر از من که خشنود نیست مکن دخمه و تخت و رنج دراز به رسم مسیحا یکی گور ساز نه کافور باید، نه مشک و عبیر که من زین جهان خسته گشتم به تیر بگفت این و لب‌ها به بر نهاد شند آن نامور شیردل نوشزاد چو آگاه شد لشگر از مرگ شاه پراکنده گشتند هر سو سپاه چو بشنید کو کشته شد پهلوان غریوان به بالین او شد دوان

از آن رزمگه کس نکشتند نیز نبودند شاد و نبردند چیز ورا کشته دیدند و افکنده خوار سِکوبای رومی، سرش بر کنار همه رزمگه گشت از او پر خروش دل رام برزین پر از درد و جوش ز اسقف بپرسید کز نوشزاد ز اندرزهایش چه داری به یاد؟ چنین داد پاسخ که جز مادرش برهنه نباید که ببند سرش تن خویش چون دید خسته به تیر ستودان نفرمود، نه مشک و عبیر به رسم مسیحا کنون مادرش کفن سازد و گور و پوشد سرش نه افسر، نه دیبای رومی، نه تخت چو از بندگان دیده تاریک بخت کنون جان او با مسیحا یکیست همان است کین کشته بر دار نیست مسیحی به شهر اندرون هر که بود نماند ایچ ترسا به رخ نا شُخود خروش آمد از شهر و هر مرد و زن که بودند یکسر شدند انجمن

که شد شهریاری دلیر و جوان دل و دیده شاه نوشین روان به تابوت از آن دشت برداشتند سه فرسنگ بر دست بگذاشتند چو آگاه شد زان سخن مادرش به خاک اندر آمد سر و افسرش ز پرده برآمد برهنه به راه برو انجمن گشته بازارگاه سرا پرده گردش اندر زدند جهانی همه خاک بر سر زدند به خاکش سپردند و شد نوشزاد ز باد آمد و ناگهان شد به باد همه جُندشاپور گریان شدند ز درد دل شاه بریان شدند

مرگ نوشزاد که فقط بر سر ایمان مسیحی او پیش آمد نه تنها برای مادر و هوادارانش غم انگیز بود بلکه انوشیروان و همه‌ی ایرانیان را متأثر ساخت.



کلیسا در ایران

شده است، متأسفانه تابلو آن برداشته شده و کلید ورود به این مکان نیز وجود ندارد.

«قره کلیسا» یکی از مشهورترین کلیساهای ایران است که عکس‌ها و تصاویر این مکان به وفور در جستجوی اینترنت وجود دارد. این کلیسا در سال ۲۰۰۸ در فهرست میراث فرهنگی جهان قرار گرفت و در استان آذربایجان غربی، نزدیکی چالدران واقع شده و معماری آن از آثار بسیار زیبای هنرهای تجسمی است. شکل آن شبیه قلعه است و امروز در دعا اعلام می‌کنیم که قلعه و حفاظت خداوند بر این شهر و استان و کشور قرار گیرد.

«کلیسای وانک»: آنا پرکیچ به معنی نجات دهنده یا همان کلیسای وانک مشهور اصفهان است. در زمان شاه عباس دوم ساخته شده، امروز اعلام می‌کنیم که نور خداوند بر این شهر و کشور تابان شود و چشمان را بگشاید و بنا سازد. نقاشی‌های درون آن بسیار ظریف و طلاکاری شده است و تمامی دیوارها و سقف‌ها با رنگ روغن طراحی شده‌اند.

امید سیوکی

امروز به چند کلیسای قدیمی و دور افتاده در ایران نگاهی خواهیم انداخت و با توجه به عید قیام مسیح بیاد خواهیم آورد که اگر این مکان‌ها ترک خورده و رو به خرابی هستند، خداوند ما پر قدرت و زنده کلیسای خود را که همانا ما ایمانداران هستیم بنا نموده است و امروز در نام او برای ایران می‌ایستیم و شفاعت می‌کنیم تا تازگی و بینایی بر همه مردم جاری شود و نهر خداوند بر ایران و بیابان‌های روحانی، حیات بار آورد.

کلیسای «سرخ آباد»: کلیسای کوچکی در استان مازندران و شهرستان سواد کوه. مهندسین ایتالیایی در زمان گذشته این کلیسا را بنا کردند و اینان که برای ساخت راه آهن به ایران پا گذاشته بودند در این مکان برای دعا جمع می‌شده‌اند. این کلیسا ابعاد کوچکی دارد اما امروز در دعا اعلام کنیم که ساخت راه آهن شروعی برای ارتباط و برقراری رابطه در ایران شد، امروز نیز راه خداوند و حیات و نهر او بر تمام ایران جاری شود.

با وجود اینکه این کلیسا در میراث فرهنگی ثبت



بنابراین، هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه کرده است. (یعقوب ۴: ۱۷)

وقایع اخیر ایران دل بسیاری را رنجاند؛ سیل را می‌گوییم. تلفات جانی، خسارات مالی، خرابی‌های طبیعت و...؛ این گوشه‌ی کوچکی از وقایعی است که هر روزه در این دنیا اتفاق می‌افتد و ما شاید اصلاً متوجه آنها نمی‌شویم. ولی کس دیگری نیز هست که دلش هر روزه رنجور می‌شود از این اتفاقات...؛ ما گوشه‌ی کوچکی در برابر موج عظیم خرابی‌های هر روزه را می‌بینیم و دلمان شکسته می‌شود، حال خدایی که تمامی آنها از نظرش می‌گذرد چه حالی دارد. خدایی که بخوبی می‌دانیم احساس دارد، خدایی که تمامی این خلقت را با شادی آفرید و البته نیکو؛

ریشه‌ی گناهان ما عمیق‌تر است از ظاهری که مقابل دیدگانمان است. عصیان انسان نه تنها باعث گناه نسبت به خدا بود و هست، و نه تنها نسبت به یکدیگر و هم‌نوع، بلکه ما نسبت به طبیعت هم عصیان و گناه ورزیده‌ایم؛ طبیعتی که خدا به دستان ما سپرد و ما می‌بایست به آن رسیدگی می‌کردیم را با عصیان و گناه به ورطه‌ی نابودی کشانده‌ایم و با آن سر دشمنی و ناسازگاری داریم...

ولی شکر برای خداوند که ما را به حال خود وا نگذاشت؛ زمانی که ما در گناهان خود غرق بودیم او پیش‌قدم شد و به روی صلیب رفت؛ او با قیام خود پادشاهی خود را تثبیت کرد. این قیام نه تنها ما را از گذشته گناه‌آلود خود آزاد کرده، و نه تنها آینده‌ای پر جلال را به ما وعده داده است، بلکه بیعانه و نوبر روح را به ما بخشید برای زندگی زمینی‌مان تا فرا رسیدن جلال آینده و آینده‌ای پر جلال... و این نباید برایمان تعجب برانگیز باشد که خدا همانطور که به فکر ما بود و حیات را به ما بخشید و وعده احیای جسم گناه‌آلود ما را داده است برای طبیعت هم این‌گونه نقشه‌ای دارد؛ طبیعتی که ما مسبب ویرانی‌اش بوده‌ایم را دوباره احیا خواهد کرد؛ پس ما هم سهمی داریم در این نقشه خدا... نه در آینده، و نه اینکه نگاهمان به دیگری باشد و یا این و آن را مسبب سیل، آلودگی، بیماری و... بدانیم؛ بلکه شروع آن از هم اکنون و خودمان است. بیایید دیگر نه تنها به خدا، و نه تنها به هم‌نوع خود، بلکه به طبیعت هم عصیان و گناه نورزیم؛ نه در عمل و نه در اعلام؛ هم مسیر شویم با خدا در اعلام برکت به طبیعت و زمینی که به سبب ما ملعون شد...

حسین سکاکی



در اینجا لازم است تا نکته‌ای را یادآوری کنیم؛ برای استفاده از تمام امکانات این اپلیکیشن به صورت کامل، می‌بایست بعد از نصب این اپلیکیشن با استفاده از ایمیل خود حساب کاربری ایجاد کرده و سپس به اپلیکیشن وارد شده و استفاده کنید. نحوه ایجاد حساب کاربری و راه اندازی اولیه، در شماره‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ مجله اسمیرنا برای آموزش شما عزیزان ارائه شده است.

امیدواریم که یادآوری و مرور امکانات جالب این اپلیکیشن باعث تشویق شما برای گذراندن وقت خود در کتاب مقدس و مطالعه کلام خداوند بشود و از آموزه‌ها، حکمت‌ها و راهنمایی‌های آن برکت گرفته و در زندگی خود بکار برده و آن را با دیگران نیز به اشتراک بگذارید.

فرا رسیدن نوروز باستانی را به شما شادباش گفته، حیاتی تا و آغازی بهاری را در نام مسیح برای شما می‌طلبیم، آمین. تا شماره بعدی مجله و موضوع دیگری در تکنولوژی، شما خوبان را به دستان امن و قدرتمند خداوند می‌سپاریم.

محمد روح بخش

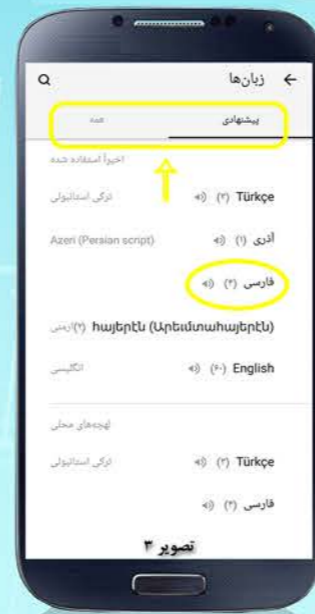
قابل دسترسی و استفاده می‌باشد. این قسمت به شما کمک می‌کند تا در شرایط گوناگون (احساسات، مشکلات، نیاز به راهنمایی در سختی‌ها و...) از آیات کتاب مقدس و کلام خداوند بهره‌مند شده و آن را به کار گیرید.

برای استفاده از این امکان که نیازمند اتصال به اینترنت است از گزینه‌های پایین صفحه اصلی، گزینه «اکتشاف» را انتخاب کرده



(قرمز رنگ در تصویر ۶) تا به قسمت جستجو وارد شوید و در اینجا از قسمت «کتاب مقدس درباره موضوع زیر چه می‌گوید» موضوع مورد نظر می‌گوید»، موضوع مورد نظر خود را انتخاب کرده (آبی رنگ در تصویر ۶) و آیات مربوط به آن را مطالعه کنید. امکان بسیار جالب دیگر که در انتهای این مطلب به آن اشاره خواهیم کرد امکان «مرتبط» می‌باشد. با استفاده از این امکان می‌توانید دیدگاه، نظرات و حتی برکات سایر ایمانداران مسیحی در سرتاسر دنیا و به زبان‌های مختلف را مشاهده و حتی در مورد آن نظر داده و همچنین نویسنده آن را به لیست دوستان خود در اپلیکیشن اضافه کرده و با برقراری ارتباط، با آن شخص نیز مشارکت داشته باشید.

برای استفاده از این امکان جالب که به اتصال اینترنتی نیاز دارد بعد از انتخاب یک آیه می‌بایست از گزینه‌های زیر صفحه، گزینه «مرتبط» را انتخاب کرده (سبز رنگ در تصویر ۴) تا وارد قسمت مربوطه شوید. در این قسمت در بالای صفحه «یادداشت‌های مرتبط» را انتخاب کرده (قرمز رنگ در تصویر ۷) و شاهد نظرات و نوشته‌های دیگر خوانندگان این آیه باشید.



مورد نظر خود را انتخاب کرده (زرد رنگ در تصویر ۳) تا لیستی از ترجمه‌های آن زبان نمایش داده شود. پس از انتخاب ترجمه مورد نظر با انتخاب گزینه دانلود نصب این ترجمه آغاز خواهد شد (آبی رنگ در تصویر ۲) و پس از اتمام دانلود علامت «تیک» در مقابل آن ترجمه ظاهر خواهد شد.

می‌توانید با انتخاب آن آیه، از گزینه‌های پایین صفحه «مقایسه» را انتخاب کرده (قرمز رنگ در تصویر ۴) و در صورتی که ترجمه‌های مختلفی را از قبل دانلود کرده باشید شاهد لیستی از دیگر ترجمه‌ها برای مقایسه خواهید بود (تصویر شماره ۵).



امکان بعدی و بسیار کاربردی برای مشتاقان کلام خدا و حتی عزیزی که به عیسی مسیح ایمان نیاورده‌اند، امکان «موضوعات طبقه بندی شده» در کتاب مقدس می‌باشد. این امکان در نسخ چاپی کتاب مقدس به صورت لیستی در انتهای کتاب موجود است که در اینجا نیز به صورت دیجیتال



کتاب مقدس همراه شما و در تلفن همراه شما!!!

سلامتی و صلح خداوند بر شما خواننده عزیز بخش تکنولوژی، در این شماره با یادآوری برخی از امکانات کاربردی و جذاب اپلیکیشن «کتاب مقدس (Bible)» محصول گروه «YouVersion» همراه شما خواهیم بود.

امکاناتی که در اینجا به آنها اشاره خواهیم کرد شامل استفاده آفلاین (دانلود ترجمه‌ها)، مقایسه یک یا چند آیه در ترجمه‌های مختلف، موضوعات طبقه بندی شده در کتاب مقدس (دیدگاه کتاب مقدس درباره آن موضوع) و در نهایت امکانی با عنوان «مرتبط (Related)» می‌باشد.

برای استفاده آسان‌تر (بدون نیاز به اینترنت) از این اپلیکیشن، می‌توانید ترجمه‌های مورد نیاز خود را از قبل دانلود کرده و به راحتی از آن استفاده کنید.

به همین منظور در صفحه اصلی برنامه وارد بخش «بخوانید» شده (قرمز رنگ در تصویر ۱) و سپس در بالای صفحه روی نام ترجمه کلیک و یا لمس کرده (سبز رنگ در تصویر ۱) تا وارد قسمت «ترجمه‌های کتاب مقدس» شوید (تصویر ۲). پس از ورود به این بخش گزینه «زبان» را انتخاب کرده (سبز رنگ در تصویر ۲) و از لیست «همه» و یا «پیشنهادی»، زبان



من یک زن هستم (مریم مجدلیه)

با سلام خدمت خوانندگان مجله اسمیرنا، عید قیام مبارک.

با توجه به این یادآوری که عیسی مسیح از مردگان برخاست در این شماره بر آن هستیم تا با ادامه تامل در شخصیت مریم مجدلیه هنگام رستاخیز و عملکرد او، قیام مسیح را در قلب‌هایمان هر لحظه احساس کنیم.

این واقعه چنان مهم است که اگر آن را انکار کنیم نجات را نمی‌توانیم بچشیم، پس بیایید در این خصوص بیشتر تامل کرده و ثمرات آن را در زندگی‌مان ببینیم.

«و اگر مسیح برنخاسته، ایمان شما باطل است و شما همچنان در گناهان خود هستید. اما مسیح برآستی از مردگان برخاسته و نوبر خفتگان شده است. زیرا همان‌گونه که مرگ از طریق یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز از طریق یک انسان پدیدار گشت. زیرا همان‌گونه که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. اما هر کس به نوبه خود: نخست مسیح که نوبر بود؛ و بعد، به هنگام آمدن او، آنان که متعلق به اویند. دشمن آخر که باید از میان برداشته شود، مرگ است.» (اول قرنتیان باب ۱۵)

همانطور که می‌دانیم در کتب عهد عتیق پیشگویی‌های بسیاری درباره قیام مسیح شده است. بطور مثال در کتاب هوشع می‌خوانیم پس از دو روز ما را احیا خواهد کرد، و در روز سوّم ما را بر خواهد خیزانید، تا در حضور او زیست کنیم. (هوشع ۶: ۲)

آری خداوند وعده دهنده امین است، او وفادار است و همانطور که در کلام خود اشاره کرده همیشه با ما خواهد بود تا انقضای عالم و این تنها توسط یک خدای زنده امکان پذیر است. اوست که از ازل بوده و تا ابد نیز هست.

همانطور که در شماره ۳۵ مجله اسمیرنا در خصوص مریم مجدلیه خواندیم مریم در گناه و اسارت هفت روح ناپاک بود اما با چشیدن محبت خداوند زندگی گذشته خود را ترک کرد و نیازش را به خداوند فهمید و در پی او بود. ثمره‌ی آن، زندگی جدید و هویت جدید و راهی تازه در خداوند بود. آری او به ریشه و تاک متصل شد و در او ماند و ثمر داد و اما عملکرد ما نسبت به قیام مسیح چیست؟ آیا در ترس‌هایمان گم می‌شویم و در پای صلیب، تنها مرگ مسیح را به یاد می‌آوریم؟

در یوحنا فصل ۲۰ آیات ۱ تا ۱۸ می‌خوانیم...

در نخستین روز هفته، سحرگاهان، هنگامی که هوا هنوز تاریک بود، مریم مجدلیّه به مقبره آمد و دید که سنگ از برابر آن برداشته شده است. پس دوان دوان نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی دوستش می‌داشت، رفت و به آنان گفت: «سرورمان را از مقبره برده‌اند و نمی‌دانیم کجا گذاشته‌اند.» پس پطرس همراه با آن شاگرد دیگر بیرون آمده، به سوی مقبره روان شدند. و هر دو با هم می‌دویدند؛ اما آن شاگرد دیگر تندتر رفته، از پطرس پیش افتاد و نخست به مقبره رسید. پس خم شده، نگرست و دید که پارچه‌های کفن در آنجا هست، اما درون مقبره نرفت. شمعون پطرس نیز از پی او آمد و درون مقبره رفته، دید که پارچه‌های کفن در آنجا هست، اما دستمالی که گرد سر عیسی بسته بودند نه در کنار پارچه‌های کفن، بلکه جداگانه تا شده و در جایی دیگر گذاشته شده است. پس آن شاگرد دیگر نیز که نخست به مقبره رسیده بود، به درون آمد و دید و ایمان آورد. زیرا هنوز کتب مقدّس را درک نکرده بودند که او باید از مردگان برخیزد. آنگاه آن دو شاگرد به خانه خود بازگشتند. و اما مریم، بیرون، نزدیک مقبره ایستاده بود و می‌گریست. او گریان خم شد تا به درون مقبره بنگرد. آنگاه دو فرشته را دید که جامه‌های سفید بر تن داشتند و آنجا که پیکر عیسی نهاده شده بود، یکی در جای سر و دیگری در جای پاهای او نشسته بودند. آنها به او

گفتند: «ای زن، چرا گریانی؟» او پاسخ داد: «سرورم را برده‌اند و نمی‌دانم کجا گذاشته‌اند.» چون این را گفت، برگشت و عیسی را آنجا ایستاده دید، اما نشناخت. عیسی به او گفت: «ای زن، چرا گریانی؟ که را می‌جویی؟» مریم به گمان اینکه باغبان است، گفت: «سرورم، اگر تو او را برداشته‌ای، به من بگو کجا گذاشته‌ای تا بروم و او را برگیرم.» عیسی صدا زد: «مریم!» مریم روی به جانب او گرداند و به زبان عبرانیان گفت: «زّیونی!» (یعنی استاد). عیسی به او گفت: «بر من می‌آویز، زیرا هنوز نزد پدر صعود نکرده‌ام. بلکه نزد برادرانم برو و به آنها بگو که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما صعود می‌کنم.» مریم مجدلیّه رفت و شاگردان را خبر داد که «خداوند را دیده‌ام!» و آنچه به او گفته بود، بدیشان بازگفت.

آری مریم زنی پر از اعمال نفس بود؛ همچون ما. کیست که بگوید پاک و بی‌گناه است زیرا در کلام خوانده‌ایم پارسایی نیست حتی یکی. گناهان ما بین ما و خدا پرده‌ای بود که باعث شکسته شدن این رابطه بود و ما همچون عروسانی سرگشته در این رابطه شکسته، برای خودمان آب انبارها ذخیره کرده بودیم تا شاید طعم شادی و آرامش را بیابیم و هر چه بیشتر پیش می‌رفتیم بیشتر در اسارت گناه، محکومیت، ترس و... قرار می‌گرفتیم. روزی که فهمیدیم مسیح برای تمام محکومیت‌های ما، ترس‌ها، بیماری‌ها، ضعف‌ها و طردشدگی‌ها و... روی صلیب رفت و بار گناهان ما را بر خود حمل کرد با درک این واقعه‌ی صلیب آزاد شدیم، همچون مریم مجدلیه که تمامی طول مسیر و پای صلیب در کنار عیسی بود، او زخم‌هایش را دید و محبت او را چشید. مریم مجدلیه در میان شاگردان بارها وعده رستاخیز مسیح را شنیده بود، آری وعده رستاخیز مسیح از مردگان را شاگردان هم شنیده بودند؛ و ما هم در عصر کنونی بارها آن را خوانده و می‌خوانیم! اما چقدر آن را هر روز به یاد می‌آوریم و چقدر این حیات را به زندگیمان وارد کرده‌ایم؟

شُکر برای خداوندی که با چشمانی پر از فیض به ما

می‌نگرد. او به اعمال ما نگاه نمی‌کند. او می‌گوید بجویند خواهید یافت، او قادر مطلق است. آری مریم خداوند را می‌جویند! او پای صلیب با او بود و در نخستین روز هفته به مقبره رفت تا با او ملاقات کند. او جسد عیسی را جستجو می‌کرد و افکار انسانی او نمی‌توانست بپذیرد که او به راستی از مردگان قیام می‌کند. شاید به این می‌اندیشید که قیام خداوند در درک او نخواهد گنجید. او گریان بود چون رنج و درد مسیح را دیده بود و نیازش را به او می‌دانست اما او را گم کرده بود. چقدر ما گریان هستیم وقتی او را گم می‌کنیم؛ آیا او را می‌جوئیم؟

چقدر ما مشکلاتمان را بزرگتر از قدرت عظیم خدا تصور می‌کنیم؟ چقدر در رنج و غم گناه و محکومیت باقی می‌مانیم؟ چقدر به خدا اعتماد داریم! به وعده‌های او؟ آری این جسم بشری درک و شناختی از قدرت و عظمت خداوند ندارد، اما خداوند خود را در مسیح برای ما مکاشفه کرد و قیام او از مردگان، حیات جدید ماست. چقدر آن را می‌پذیریم؟ در سفر روحانیمان کجا هستیم؟ روی تپه جلجتا! در افکارهایمان! در پای صلیب و یا گریان در مقبره...

چرا زنده را از میان مردگان می‌جویند؟ این آیه امروز نیز برای تک به تک ماست. چقدر همچون مریم زنده را از میان مردگان جستجو کرده‌ایم. خدا با ماست چقدر این را باور داریم؟

وقتی شاگردان در غم و اندوه واقعه صلیب بودند شاید تکیه‌گاشان را از دست داده و شاید می‌اندیشیدند که به پیشه و کار قبل خود بازگردند. آنها ۳ سال با مسیح راه رفته بودند و حال خداوند به صلیب کشیده شده بود. شاید او را ضعیف می‌دیدند و ترس و شک وجودشان را گرفته بود! برآستی این همه معجزه دیده بودند اما همانطور که در کلام می‌خوانیم خوشا به حال آنانکه به ایمان زیست می‌کنند نه به دیدار.

چقدر در زمان‌هایی که نا امید و نگران هستیم و شک به سراغمان می‌آید قدم برمی‌داریم و به حضور خدا شتافته

او را جستجو می‌کنیم؟ آیا همچون مریم چشمانمان از درک نیاز به مسیح و عشق او پر است؟

مریم تصمیم گرفت که در ایمانش وفادار بماند. به سمت مقبره رفت؛ آیا ما در آن شرایط حاضر بودیم به مقبره برویم؟ حتماً سربازان در آنجا بودند. شاید تهمت دزدیده شدن جسد را می‌توانستند بر او بزنند و بسیاری افکار انسانی دیگر؛ اما مریم با عشق به جستجوی خداوند رفت و از هیچ چیز نترسید و تنها دغدغه‌اش یافتن عیسی بود. او در ناامیدی‌اش به جای دیگری نرفت. او چشمه حیات را شناخته بود و می‌دانست تنها در او آرام می‌گیرد.

وقتی مریم عیسی را ایستاده دید او را نشناخت و به گمان اینکه او باغبان است گفت سرورم اگر تو او را بر داشته‌ای به من بگو کجا گذاشته‌ای تا بروم و او را برگیرم، و عیسی صدا زد مریم!

مسیح می‌گوید من در هستم هر که از راه من داخل شود نجات خواهد یافت و آزادانه به درون خواهد آمد و بیرون خواهد رفت و چراگاه خواهد

یافت. او گوسفندان خود را به نام

می‌خواند و گوسفندان او صدایش را

می‌شناسند. وقتی عیسی مریم

را به نام خواند او صدای استاد

را شناخت و به پاهایش افتاد.

چقدر گوشمان به صدای خدا

آشناست! آیا با او قدم زده‌ایم؟

آیا صدای او را می‌شناسیم؟

او که بر در قلبمان می‌کوبد

و از انتظار کشیدن

خسته نمی‌شود!

محبت آرایش محبت

خویشنماری نیکویی مهربانی

آرایش قرونی

وفاداری

مهربانی قرونی

وفاداری مهربانی شادی

خویشنماری محبت

او عاشقانه می‌خواهد با ما همسفره شود و به درون آید؛ به درون وجودمان، زندگی‌مان، مشکلاتمان، اشک‌هایمان. حتی در مقبره‌هایی که به اشتباه داخل آن شده‌ایم او به درون می‌آید تا ما را حیات بخشد و بیابان‌هایمان را بوستان کند.

و اما آیا صدای او رو می‌شناسیم و آیا قیام او را باور داریم؟

مریم وقتی صدای استادش را شناخت مسیح از او خواست تا به سراغ برادرانش برود و به آنها خبر خوش را بدهد. دنیا در صدد است تا رویاها و حقیقت مسیح را از ما بدزدد. مریم می‌توانست وقتی مسیح را دید به سمت برادرانش نرود؛ کاری که شاید ما بارها انجام داده‌ایم. نا اطاعتی... وقتی خودمان را بر حسب زن بودن تحقیر یافته می‌بینیم شاید با خود می‌گوییم چه بگوییم، حتماً مرا دیوانه می‌پندارند! یا چطور باور کنم که آنچه دیدم حقیقت بوده؟ شاید توهم بوده... شاید دولت مرا محاکمه کند... چگونه شهادت دهم که مسیح قیام کرده! در این دنیایی که پر از شرارت است چه کسی مرا باور می‌کند؟ مریم به این دلایل دنیایی نیاندیشید. شاید هم فکر کرد اما اطاعت خدا را در اولویت قرار داد و اطاعت کرد.

او غرق در حضور خداوند بود، دیگر شک و ترس و ناامیدی در او دیده نمی‌شد. مریم پای عیسی نشست و به او چسبید و ثمره این ایستادگی و وفاداری چشیدن حضور مسیح قیام کرده بود. چقدر باور داریم که مسیح به ملاقات ما می‌آید؟ در هر سختی و مشکلات آیا خودمان را نالایق می‌بینیم؟

دریافتیم که مریم نگاهش را از خودش برداشت و به سمت قیام مسیح چشم دوخت. در پی صدای نفس خود نبود، ترس‌ها و صداهایی که دنیا هر لحظه فریاد برمی‌آورد؛ او به لیاقت خودش نگاه نکرد و حقیقت حضور مسیح را دریافت کرد. گنجی بسیار با ارزش و ثمره قیام مسیح در وجود مریم شجاعت، اطاعت، فروتنی، ایمان و... بود.

آری بیایید ما هم نفس‌مان را به صلیب بکشیم و نسبت به گناه خود را مرده بدانیم، چون او که در ماست قوی‌تر

از حاکم جهان است، حتی زمانی که دلمان ما را محکوم می‌کند خدا بزرگتر از دل‌های ماست و از همه چیز آگاه است.

با مسیح بر صلیب شده‌ام، و دیگر من نیستم که زندگی می‌کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می‌کند؛ و این زندگی که اکنون در جسم می‌کنم، با ایمان به پسر خداست که مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد. فیض خدا را باطل نمی‌شمارم، زیرا اگر پارسایی از راه شریعت به دست می‌آمد، پس مسیح بیهوده مرد. (غلاطیان ۲: ۲۰-۲۱)

اوست که در ما، ما را قوت می‌بخشد تا به وسوسه نه بگوییم و در تقدیس او قدم برداریم، اوست که در ما، ما را قوت می‌بخشد تا خبر خوش را به خواهران و برادرانمان اعلام کنیم. چقدر در این اطاعت قدم برمی‌داریم؟! آری به پشتوانه قدرت او نیرومند هستیم پس بیایید در برابر حیل‌های ابلیس بایستیم. آیا اسلحه کامل خدا را بر تن داریم؟

پس اسلحه کامل خدا را بر تن کنید، تا در روز شرّ شما را یارای ایستادگی باشد، و بتوانید پس از انجام همه چیز، بایستید. پس استوار ایستاده، کمر بند حقیقت را به میان ببندید و زرّه پارسایی را بر تن کنید، و کفش آمادگی برای اعلام انجیل سلامتی را به پا نمایید. افزون بر این همه، سپر ایمان را بگیرید، تا بتوانید با آن، همه تیرهای آتشین آن شریر را خاموش کنید. کلاه خود نجات را بر سر نهید و شمشیر روح را که کلام خداست، به دست بگیرید. و در همه وقت، با همه نوع دعا و تمنا، در روح دعا کنید و برای همین بیدار و هوشیار باشید و پیوسته با پایداری برای همه مقدسین دعا کنید. (اِفَسسیان ۶: ۱۳-۱۸)

مریم مجدلیه ایستاد، نجات را دریافت کرد، لباس خداوند را بر تن کرد و قیام او را چشید؛ لبریز از او شد و این حیات را اعلام کرد و زندگی او با قیام مسیح تبدیل شد.

قیام مسیح در شما

گروه زنان اسمیرنا

افق دعا

اصفهان

شالوم خدا به تمامی فرزندان خداوند در سراسر این کره خاکی.

شکر و سپاس برای فرصت و مجالی دیگر برای گردهم آیی خانواده الهی در روح و راستی برای دعا و شفاعت. در برگی دیگر از این ماهنامه فراهم شد با هم به حضور خدای قدوس رفته و برای مردم سرزمینمان ایران و بخشی از آن دست به دعا بلند کنیم و برکت، صلح و سلامتی، شفا و محبت خداوند عیسی مسیح را به آنان اعلام کرده و شهادت دهیم که خداوند خود را به ما نشان داد و ما چشیدیم و دیدیم که نیکوست و این دعوت و فیض محدود به عده‌ای خاص نیست، بلکه تمامی مردم به این میهمانی دعوت شده‌اند؛ تا فیض به قوت خود باقی‌ست بازگشت کنید نزد خداوند قدوس...

این بار سفری به شهر و استان زیبای اصفهان خواهیم داشت و نجات عظیم خداوند را به مردمان و هموطنانمان در این استان اعلام می‌کنیم؛ آمین که دعاهايمان در راستای اراده خداوند بوده و همچون بخوری خوش‌بو به حضور خداوند رسیده و با قدرت بی‌مانند او به انجام برسد.

خداوند شکر بابت تمام نعمات، محبت عظیم و نجاتی که در زندگی‌هایمان جاری ساختی. پدر جان اراده تو جاری بشود در شفا و نجات مردم اصفهان... خداوند نجات در استان توست، باران رحمت و روح قدوست را بر این استان جاری ساز بلکه مردمانش از خواب غفلت بیدار شوند و نام خداوند قدوس و جلال را بستانند. خداوند به آنان ریشه مذهب و غرور را نشان ده و ثمرات زشتی آن را؛ کمک کن تا این ریشه در نام پر جلال عیسی مسیح به مانند آن درخت انجیر بی بار، خشک شود و جای آن را تاک حقیقی گرفته

که ریشه‌ی آن در تو و نهرهای آب حیات و آن صخره حقیقی بنا شود. لمس و شفای تو خداوندم بر قلب و روح‌شان جاری شود تا ایلعازهایی مرده از بین اینان برخاسته و از غار و گور زنده شده، بپا خیزند و بیرونم آیند؛ شفا جاری شود تا بتوانند با قدرت نام خداوند گناه را ترک کنند، بارها و مشکلات که همچون کوهانی که بر شانه‌های این مردم است و پشت آنان را خم کرده برداشته شود بلکه بشنوند صدای خدا را که چه مشتاقانه منتظر بازگشت‌شان است. راه‌ها، افکار و نقشه‌های شیطان را باطل اعلام می‌کنیم و نابودی آن طریق‌ها را از خداوند می‌طلبیم. آمین که با جاری شدن روح‌القدس مردم این استان در شادی، آرامش و پیروزی خداوند زنده و هم میراث شدن با عیسی مسیح شریک شده و نام خدا را جلال دهند.

پدر جان قلب سران و مسئولین این شهر که به آنها قدرت داده شده را لمس کن بلکه روزی برسد که هر آنچه می‌کنند برای رضای تو و جلال نام شکوهمند تو باشد؛ روح آنها را لمس و هدایت کن تا راهی که در اراده توست گام بردارند نه در راهی که خود می‌خواهند و در ذهنشان درست می‌پندارند.

همچنین ایمانداران را در این مرز و بوم به حضور قدوس تو بلند می‌کنیم و قوتی دو چندان برای این عزیزان که در سختی‌ها و جفاهایی که امروزه در ایران حاکم است می‌طلبیم؛ آنان را در حافظت خودت قرار ده و با هدایت روح‌القدس راه را به آنان نشان ده؛ تسلی بخششان باش تا آن زمان که پادشاهی تو بطور کامل بر زمین به انجام شود و اراده نیکوی تو آنچنان که در آسمان است... با شکر در نام

پر جلال عیسی مسیح طلبیدیم، آمین تیم دعا اسمیرنا

خداوند خدای قدوس

شکر و سپاس برای حضورت

شکر و سپاس برای نقشه‌ی نجات ما

شکر و سپاس برای کشورمان ایران و استان اصفهان

ایمان این شهر را هدایت کن و نجالی که برایشان مهیاست را به آنها نشان ده
ایمانداران و مردمان این شهر را برکت ده و از شرارت محفوظشان بدار
اراده و نماظور که در آسمان هست در زمین نیز جاری شود



امشب ۲۳ فروردین ماه ۹۸؛ ساعت ۲ بامداد. روی تختم دراز شدم و آماده‌ام برای خواب، ولی قبل از خواب به قرار هر شب وقتش که تک و تنها با هم خلوت کنیم، من بگم و تو بگی، با هم گفتگو کنیم...

پدر آسمانی من، خداوند من، تموم دارایی من سلام...

من دخترت مهسا اول از همه چیز می‌خواهم شکرت کنم به داده‌ها و ن داده‌ها، ایمان دارم که اگر نعمتی را به دخترت دادی از بزرگی و بخشندگی تو بوده و اگه چیزی را بهم ندادی حتماً و حتماً رزق و روزی فرزند دیگه‌ای از فرزندان تو بوده و تو زندگی من جایگاهی نداشته.

شکرت می‌کنم تمام زندگی من، بابت حضورت تو قلب و زندگی. شکرت می‌کنم برای لحظه‌ای که شناختمت و تموم لحظاتی که خودت را با زبون فرزندان بهم معرفی کردی.

گفتی بخواه تا به تو داده شود، خیلی وقته که هر لحظه و هر شب به وقت قرار عاشقی از تو خواستم ولی امشب من دخترت در برابر تموم خواسته‌ها و آرزوهای سکوت می‌کنم و انتظار می‌کشم تا ببینم خواست و اراده تو چیه!؟

شاید... که نه حتماً باید زودتر از این‌ها زبانم را می‌بستم و گوش‌هایم را باز می‌کردم تا بشنوم خواست و اراده تو را در زندگی دخترت؛ ولی... پدرم عجول بودم را، فراموش کاری‌ام را بگذار پای فرزند بودم، آنچه خواست و اراده تو باشد قطعاً بهترین است برای من...

دخترت مهسا

سلام به پدر آسمانی‌ام

رب‌الارباب، قادر مطلق، شکرت می‌کنم برای حضور، محبت و عدالتت. از تو ای پدر آسمانی می‌طلبم که قدم‌های فرزندان تو در این زمانه با خون و کار عظیم تو تقدیس و مبارک شود تا بتوانیم همسو با تو گام برداشته و تو سر و کلام راستینت اولویت زندگی‌هایمان باشد؛ می‌طلبم از تو ای پدر کمک کنی در این مسیر تا بتوانم نفس خود، نقص و ضعف‌هایم، بیماری و لعنت‌ها را به صلیب می‌خکوب کنم و در تو و با قوت روح تو بار دیگر قیام کنم...

از تو ای پدر آسمانی‌ام می‌طلبم کمک کنی تا بتوانم زندگی‌ام را به دستانت تو بسپارم و سلطنت و پادشاهی تو را طلبیده و در زندگی خود جاری کنم... درخت ایمانم را در کنار نهرهای آب حیاتی که از تو سرچشمه می‌گیرد کاشته، بلکه ریشه‌هایی قوی زده تا از باد و طوفان‌ها نهراسم.

ای پدر آسمانی‌ام می‌طلبم امروز به یادم بیاوری، که چه پیمان‌هایی با تو بسته‌ام و همچنین وعده‌های تو را بخاطر بیاورم...؛ آمین که در این مسیر با نگاه به تو و قوت تو لغزش نخورده و ردای شاهزادگی که تو به ما بخشیدی را بر تن کرده و به سوی تو حتی با وجود سخت‌ترین موانع گام برداریم...

در نام عیسی مسیح با شکرگزاری و سپاس طلبیدیم، آمین.

فرزندت سمیه

امروز هوا چطور است؟

هوای دلت را می‌گویم...

خورشید طلوع کرده یا در

دیروز باقیمانده‌ای؟؟؟

می‌دانم من هم گاهی در

غروب‌ها گم می‌شوم...

امروز هوای من ابری‌ست؛

گاهی نگاهم می‌غرد و چشمانم

می‌گریزد. اشک‌هایم سیل است یا

باران برکت؟ نمی‌دانم!

گریه‌ام دامن چه کسانی را می‌گیرد؟

آیا زمینی را بارور می‌کنم یا جانی را

می‌ستانم؟! نمی‌دانم.

آسمان دلم به رنگین کمان دل خوش است، اما

اثری از آفتاب نیست، ای خورشید امروز بتاب! بر من

بتاب!!!

ای باد بوز... ابرها را کنار بزن، دلم رنگین کمان می‌خواهد...

ای بادهای گردباد نباشید، نوازش کنید چمن‌ها را، درختان را

به رقص آرید؛

ای ابرها نغزید، آرام ببارید و سیراب کنید زمین را؛

ای جان زخمی من، دلت به چه خوش است! بگذار هر چه

جان دارد خدا را بستاید.

ای آسمان با زمین آشتی کن.

صلح و سلامتی خدا با آسمان دلتان.

دخترت المیرا

در یک آن و در یک چشم به هم زدن، آنگاه که شیپور آخر نواخته شود، این به وقوع خواهد پیوست. زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان در فسادناپذیری بر خواهند خاست و ما دگرگونه خواهیم شد. زیرا این بدن فسادپذیر باید فسادناپذیری را بپوشد و این بدن فانی باید به بقا آراسته شود. چون این فسادپذیر، فسادناپذیری را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه آن کلام مکتوب به حقیقت خواهد پیوست که می‌گوید: «مرگ در پیروزی فرو بلعیده شده است.»

(اول قرنیتان ۱۵: ۵۲-۵۴)

وحشت مرگ سال‌ها ذهن مرا احاطه کرده بود، و من همیشه بدنبال یک راه برای فرار از مرگ بودم، اما مگر می‌شود از حضور خدا به جایی فرار کرد؟ از کسی که مرگ و راه چاره‌ی آن تنها در دست اوست، زیرا تنها خداوند است که می‌میراند و زنده می‌کند.

اما برای هراسی که از مرگ و عاقبت پس از آن داریم، چه باید می‌کردم؟ تمام وجودم از فکر کردن به این موضوع می‌لرزید، چه برسد که در آن موقعیت قرار می‌گرفتم؛ این دغدغه‌ی من در آن سال‌ها بود که وقتی می‌شنیدم کسی از دنیا رفته و باید به مراسم دفن بروم، ترس و وحشتی که در ذهنم در آن لحظات از انجام مراسم کفن و دفن و کلمات و وردهایی که موقع بردن میت گفته می‌شد، و اینکه درب گور بسته می‌شد و بخصوص شب اول قبر، وجود مرا فرا می‌گرفت و خود را در یک بن بست می‌دیدم که در دست دشمن اسیر شده و این ترس مرا چندین برابر می‌کرد.

هفته‌ها و ماه‌ها طول می‌کشید تا این صحنه‌ها از ذهنم پاک شود.

تمام این ترس‌ها بخاطر خرافات و دروغ‌هایی بود که از اطرافیانم بخاطر مجازات گناه در دنیایی دیگر شنیده بودم، و خداوند را خدایی هولناک تصور می‌کردم که تنها کارش سوزاندن ما در آتش است و هیچ رحم و مروتی در او نیست.

خسته شده بودم از بس خودم تلاش می‌کردم تا مقبول آن خدا گردم که لاقبل سر سوزنی به من رحم داشته باشد و من بتوانم از این پدیده براحتی عبور کنم، ولی همیشه به دیوارهای بلند برخورد می‌کردم.

اما واقعیت چیز دیگری است... در آن روزها ذهن من مسموم بود و قادر نبود واقعیت را درک کند، حقیقتی که در دو هزار سال پیش اتفاق افتاده؛ راه چاره برای سوال‌های بی‌جواب من بوده، و این قیام مسیح از مردگان بود.

رستاخیز، در نگاه من به معنای قیام مردگان برای داوری و مجازات بود که در آن به جز درد و رنج و وحشت چیزی نمی‌یافتیم؛ در حالی که برخاستن از مرگ، شروع خلقت تازه است و احیایی دوباره برای ادامه زندگی با خالق هستی؛ همین‌طور آزادی و رهایی از مرگ، مقبول و فرزند خدا شدن و رسیدن به آرامشی که در همه جا از فیض خدا لذت ببری. تمام این‌ها با رستاخیز مسیح برای من فراهم شده بود و من بی‌اطلاع بودم...

روزی که خداوند برای نجات من دست به کار شد روزی خاص برای من بود.

با کوبیده شدن صدای درب منزل از خواب بیدار شدم؛ ساعت ۸ صبح بود و همسرم از کار شبانه به منزل آمده بود. من طبق معمول رفتم، تا برایش صبحانه آماده کنم، اما او گفت که باید برود، زیرا مادر یکی از همکارانش فوت کرده است.

آنجا بود که دوباره تمام ذهن و قلب من به چالش کشیده شد و احساس کردم که روزم طوری آغاز شد که در آن فقط ترس و ناامیدی خواهم دید. در این افکار بودم که یک لحظه در درونم آرامشی جاری شد؛ حس خاصی داشتم و کسی دائم به من می‌گفت: امروز این ترس از تو برداشته خواهد شد، بلند شو و با همسرت راهی گورستان شو.

در آن لحظه به همسرم گفتم من هم با تو می‌آیم. لباس‌هایم را پوشیده و هر دو روانه شدیم. در بین راه ذهنم بسیار مشغول بود و سوالات همیشگی که چطور می‌توانم با آن صحنه‌ها روبرو شوم و چطور باید بر ترسم غلبه کنم؟

اما کسی بهم گفت به من بسپار، چون امروز را من برای تو کار می‌کنم؛ به خداوند اطمینان کردم و همه چیز را به او سپردم.

وقتی به گورستان رسیدیم به محل شستشوی اجساد رفتیم. من که تا بحال جرأت عبور از کنار ساختمان غسلخانه را نداشتم امروز داخل آنجا شده بودم و از پشت شیشه نظاره‌گر شسته شدن اجساد بودم و بدقت به تمام مراحل کفن و دفن با بینش دیگری نگاه کردم و هیچ چیز ترسناکی در آن نیافتیم؛ همه چیز برام بسیار عادی گذشت. دیگر آن ترس‌های بیهوده گذشته را در وجودم احساس نمی‌کردم. با خود، به مصلوب شدن مسیح و دفن او فکر کردم؛ با او وارد قبر شدم و همه چیز را واضح و روشن مشاهده و مقایسه می‌کردم با چیزی که امروز دیده بودم.

چیزی که از پیروزی مسیح بر مرگ و رستاخیز او پس از سه روز دریافتم به تمام سوال‌ها و ترس‌های من پاسخ داد و ذهن و قلب مرا به آسودگی رساند. اینکه من هم روزی همچون مسیح رستاخیزی با ظفر خواهم داشت. فهمیدم که تمام آن مجازات‌ها برای من یک دروغی بیش نبوده، که تنها خواسته افکار مرا در تاریکی نگاه دارد. اما قیام مسیح برای من حقیقتی را آشکار کرد! حقیقتی که تا به امروز با پایه‌های ایمان بر آن استوار ایستاده‌ام و هر روزه با خون مسیح در پاکی این قیام با خداوند همراه هستم. خدایی که پر از محبت و دلسوزی و بخشندگی است؛ این برای من عیدی است که با بیاد آوردن کار مسیح در آن گام برمی‌دارم و مشتاقانه در انتظار روزی هستم که با آمدن دوباره خداوند بر روی زمین من نیز قیام کرده و زندگی ابدی را در ستایش آن پادشاه از سر بگیرم و پیروزی خود را به این دشمن بزرگ با قوت اعلام کنم و بگویم که:

ای گور، پیروزی تو کجاست؟

و ای مرگ، نیش تو کجا؟

خدا را شکر که بواسطه خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌بخشد. بله، خدا را شکر می‌کنم که مرا از یوغ بندگی گناه و ترس‌های حاصل از گناه آزاد کرد. جلال بر خداوند تا ابدالابد.

فریبا

صلح و سلامت و شالوم خداوند را به شما عزیزان اعلام می‌کنیم.

ای خداوند پر جلال شکرگزار تو هستیم برای فرصت و تولدی دوباره که با قیام خود برای ما مهیا ساختی.

عزیزان صفحه خلاقیت در چند شماره پیش رو به دنیای رنگها اختصاص دارد. با ما همراه باشید تا بیشتر نسبت به دنیای رنگها و ترکیب و جنس آنها آشنا شوید و با توجه به این آموزش در کارهای خلاقانه خود از رنگها بهره بهتر و مطلوب‌تری ببرید.

دوستان دنیای رنگها خلاف تنوع چشم‌گیرشان دنیای کوچکی‌ست که در سه رنگ اصلی زرد و آبی و قرمز خلاصه می‌شود. همین سه رنگ هستند که می‌توان با ترکیب آنها دنیایی از تنوع رنگ را داشت.

شما هیچ وقت یک نقاش را که تابلویی با تنوع رنگی بسیار بالا می‌کشد با کوله‌ای مملو از رنگها نمی‌بینید. ولی حتماً نقاشان را با صفحه‌های سفیدی که مقداری رنگ به روی آنها هست بارها و بارها دیده باشید. دوستان این سه رنگ به این دلیل جز رنگهای اصلی محسوب می‌شوند که از ترکیب رنگهای دیگر حاصل نمی‌شوند.

در کنار این سه رنگ اصلی، سیاه و سفید نقش روشن‌کننده و تیره‌کننده رنگها را دارند. طبق چرخه‌ی رنگ، رنگها به دو دسته

رنگهای سرد و گرم تقسیم می‌شوند. دو رنگ اصلی قرمز و زرد جزوی از رنگهای گرم هستند و رنگ آبی جزو دسته رنگ سرد است. از ترکیب رنگ آبی و زرد به مقدار و نسبت‌های متفاوت تنوع

رنگ سبز را داریم و از ترکیب قرمز و زرد می‌توانیم نارنجی‌ها را بدست آوریم. ترکیب قرمز و آبی رنگ بنفش را به ما دهد که آن هم بنا بر میزان و نسبت ترکیب می‌تواند تنوع زیادی ایجاد کند. استفاده

از رنگهای اصلی در دکوراسیون به فضا تمی مدرن می‌دهد. این رنگها تاثیر عمده‌ای بر بیننده دارند. اما رنگها را باید بنا بر جنس آنها با هم ترکیب کرد. رنگها حلال‌های متفاوتی دارند که با توجه به

نوع حلال دسته بندی و در همان دسته ترکیب می‌شوند.

رنگ روغن: رنگ روغن یکی از انواع رنگ است که در آثار نقاشی

بیشتر به چشم می‌خورد. در این رنگها روغن بذر کتان بکار رفته که حلال آن تینر و روغن‌های گیاهی همچون برزک و کتان است. این

رنگها از چنان قابلیت استفاده بالایی برخوردار هستند که به عنوان

یک تکنیک نقاشی از آنها یاد می‌شود. رنگهای روغنی دو نوع براق

و مات دارد؛ رنگهای روغنی براق دوام و ماندگاری بالاتری نسبت به

رنگهای مات دارند و بنا بر این خاصیت در مواردی استفاده می‌شوند

که بیشتر در معرض آب و شستشو و نور آفتاب قرار دارند. رنگهای

روغنی مات عمدتاً در فضاهای داخلی و اجسامی که کمتر در معرض

شستشو و نور و آسیب هستند استفاده می‌شود. شما از ترکیب دو

نوع رنگ مات و براق می‌توانید از قابلیت هر دو دسته بهره ببرید و به

نیمه مات‌ها دست یابید.

رنگ‌های اکریک، پلاستیک، آبرنگ و گواش: جز دسته رنگهای

محلول در آب هستند. این دسته از رنگها با توجه به حلالیت در آب

قابلیت شستشو ندارند. اما به سبب ایجاد اثر متفاوتشان مورد استفاده

هستند و باز هم همین قابلیت حل شدن در آب و رقیق بودن و نحوه

جذبشان بر روی سطوح از جمله کاغذ پارچه و دیوارها سبب استفاده

بالایشان می‌شود. تکنیک آبرنگ هم به همین دلیل از طرفداران

زیادی برخوردار است.

پس بنا بر اطلاعات ارائه شده رنگهای محلول در آب و روغن را

نمی‌توان با هم ترکیب کرد و ترکیب رنگها باید با توجه به جنس

حلال از یک دسته باشد.

در شماره بعدی با ما همراه باشید تا در مورد تاثیرات رنگها بر روی

انسانها و احساساتشان گفتگو کنیم...

بند کله‌پی با

۱- عاموس اهل کجا بود؟

۲- شغل عاموس چه بود؟

۳- نبوت‌های عاموس در چه زمانی انجام شده است؟

۴- نبوت‌های عاموس برای کدام قوم بود؟

۵- نبوت‌های عاموس در چه مورد بود؟

۶- در روایای سبب میوه خداوند گرسنگی و تشنگی و نیافتن مردم از

چه چیزی را بیان می‌کند؟

۷- موضوع حاکم بر پیام عاموس چه بود؟

۸- داوری خداوند به همسایگان اسرائیل برای چه بود؟

۹- نافرمانی غزه چه بود؟

۱۰- پاره کردن شکم زنان آبستن جلعاد بدست چه قومی به انجام

رسیده بود؟

۱۱- سوزاندن استخوان‌های پادشاه آدوم نافرمانی کدامیک از

همسایگان اسرائیل بود؟

۱۲- داوری خداوند بر یهودا به سبب کدام نافرمانی آنها بود؟

۱۳- گفته‌ی خداوند به خاندان اسرائیل برای زنده ماندن چه بود؟

جواب سوالات تک کلمه‌ای

شماره ۳۴ "کتاب دانیال"

۱۱- دیدن حقیقت آینده. باب ۸ آیه ۲۶ و ۲۷

۱۲- بخشیدن فهم و بصیرت. باب ۹ آیه ۲۲

۱۳- سومین سال. باب ۱۰ آیه ۱

۱۴- باب ۱۰

۱۵- آینده

۱۶- میکائیل. باب ۱۱ آیه ۱

۱۷- دختر پادشاه جنوب. باب ۱۱ آیه ۶

۱۸- میکائیل. باب ۱۲ آیه ۱

۱۹- همچون ستارگان خواهند بود. باب ۱۲ آیه ۳

۲۰- وفاداری و ایمان به خدا. (معرفی کتاب)

۱- بسته شدن دهان شیران. باب ۶ آیه ۲۲

۲- رسیدن به حضور خدای دانیال. باب ۶ آیه ۲۶

۳- ظهور مسیح. (معرفی کتاب)

۴- باب ۷

۵- ده شاخ. باب ۷ آیه ۷

۶- کشته شد. باب ۷ آیه ۱۱

۷- پسر انسان و پادشاهی او. باب ۷ آیه ۱۳ و ۱۴

۸- چهار پادشاه. باب ۷ آیه ۱۷

۹- ده پادشاهی. باب ۷ آیه ۲۳

۱۰- زمان آخر. باب ۸ آیه ۱۷

کتاب عاموس



۱۴- چه شد که خداوند از مکافات بر اسرائیل و رویای ویرانی

ملخها منصرف شد؟

۱۵- در روایای هشدار دهنده‌ای که عاموس دید خداوند در کنار

دیوار چه در دست داشت؟

۱۶- در احیای قوم اسرائیل خداوند از مرمت و بر پایی کدام خیمه

سخن می‌گوید؟

۱۷- پیام اتهام آمیزی که امصیا بر ضد عاموس نزد یربعام فرستاد

چه بود؟

۱۸- در روایای نابودی اسرائیل خداوند گفت کدام خاندان را به

تمامی نابود نخواهم کرد؟

۱۹- روایای سبب میوه به عاموس برای چه بود؟

۲۰- تصمیم خداوند برای خاندان اسرائیل به خاطر حمل و

پرستش تمثال‌های سکوت و کیهان تبعید به کجا بود؟





www.instagram.com/smyrna_magazine_christian

www.facebook.com/smyrna.jubal.church

Smyrnamagazine

Omid sabooki or [smyrna magazine jubal band](#)

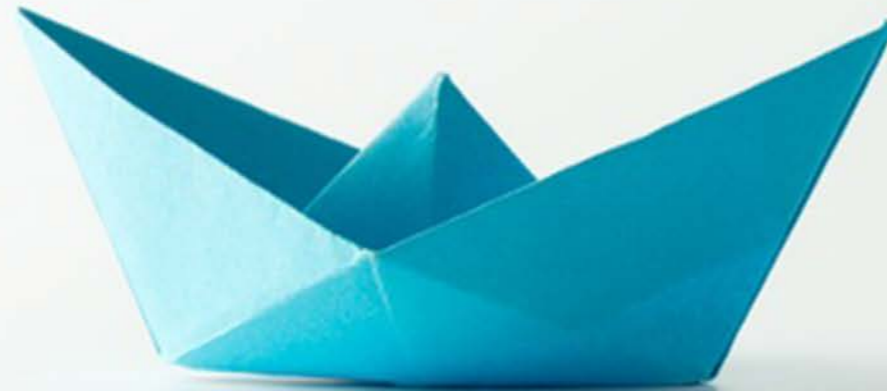
smyrnamagazine@gmail.com

klisaye.izmir

@kelisayeizmir

(+1) 770 268 91 76

(+1) 770 268 91 76



www.smyrna-magazine.com



SMYRNA



Copyright © 2019 by Jubal Band

www.smyrna-magazine.com

JUBAL BAND presents: | The Monthly magazine in Persian that promotes the biblical faith and Iranian Christian culture
please contact with us by : (+1) 770-268 9176